

حقیق و ممکن نیست بگذاریم بر خلاف آزادی و اصول قانون اساسی رفتار شود اما کجاست این عملیات کومملکت مشروطه این چه مشروطه ایست که چنین توقیف و تبعید بدون محاکمه می نمایند و هر کس مال مسلمین را بیشتر اختلاس کرده بیشتر ترفیع رتبه پیدا می کند و از این ماموریت به آن ماموریت می رود این مملکت بهمه چیز می نماید غیر از مشروطه کجا است آن مصونیتی که معنایش مدافعت و کلین است از و کلاه باز بنده تکرار می کنیم مردم مردم اهالی اهالی غیر از او هیچ چیز اول خدا بدمم خدا خداهم باجماعت است اگر جماعت در يك مسئله اقدام نکنند هر چه خیال داشته باشد جزو مردم و وارزواست بنابراین اگر مردم از این دو ماده قانون اساسی که یکی راجع به استقرار و یکی راجع به مالیات است حمایت نکنند چه فایده خواهد داشت که دومر تبه يك قانون عادی بنویسیم و چه نتیجه می توانیم از او بگیریم آیا در این سیزده ماه که از عمر مجلس گذشته ما و زرای دوره فترت را محاکمه کرده ایم لا والله آیا خائنین دوره فترت را مجازات داده ایم لا والله مایک نفر را مجازات نداده ایم خواه اقل مجازات خواه اعدام پس در این صورت تمام از دست اهالی است تا اهالی از برای حفظ قانون اساسی مشت نشان ندهند و تا بدون هیچ ملاحظه مالیاتی را که مجلس تصویب نکرده ندهند قانون اساسی حفظ نمیشود آن در طهران مالیاتی را که مجلس رأی نداده می گیرند باید ندهند و تعطیل کنند تا به بینیم کی از آنها می گیرد ملتی که از توقیف و حبس و صدمه بترسد نمیتواند حقوق آزادی را حفظ کند بسم الله این مرکز که آقا آقا سید یعقوب می خواستند از آن دفاع کنند و بنده هم وکیل آنجا هستم و معلی است که مجلس شورای ملی هم در آنجا هست و مطالب هم زودتر بآن میرسد چرا مالیات هائی را که مجلس تصویب نکرده می دهند چه می شود دونه زاندارم آنها را بگیرند و توقیف و حبس کنند اول بنده را که وکیل طهران هستم و این تقاضا را بنام حفظ قانون اساسی می کنم بگیرند زیرا من از حبس و تبعید نمی ترسم سابقه زندگانیم هم غیر از این نبوده و از لاجرم آنها غیر از این متوقع نیستم بنا بر این می گویم اگر آقایان می خواهند مشروطیت داشته باشند باید زیر بار ظلم نروند و از هیچکس جز خودشان شکایت نداشته باشند و تادر مردم این احساسات بروز نکنند غیر ممکن است باین قانون اساسی و بآن قانونی که آقایان تازه پیشنهاد می کنند اهمیت داده شود و این قانون اساسی که ما بآن قسم خورده ایم محترم و مقدس است اما آنچه که در ماموریتها و وزارتخانهها بآن کمتر پرداخته می شود و در گوشه ها افتاده اصلا قابل توجه نیست همین قانون اساسی است بنا بر این باید از

این گرسی خطاب استفاده کرد و ب مردم گفت زیرا بار این ظلم ها نروید و قانون اساسی را خودتان حفظ کنید و برای حفظ حقوق خودتان بکشید و کشته شوید اگر این اندازه حاضر شدید مملکت مشروطه خواهد داشت ما همه این مقدمات نتیجه که بنده از این پیشنهاد می بینیم این است که اهمیت قانون اساسی را قدری می کاهد یعنی مقام او را قدری تنزل می دهد و بقانون عادی میرساند آنوقت يك جماعتی می گویند این ماده با فلان ماده قانون اساسی معارض است یا موافق آیا تغییر آن همانطور است یا فلان شکل و آنقدر اشکال تراشی می کنند که بالاخر آنچه در قانون اساسی داریم قابل تغییر و تفسیر می شود بنا بر این بنده کاملا معالقم ولی با يك چیز موافقم و آن قانون مجازات است که همانطور که شاهزاده محمد هاشم می فرمایند در این مملکت نیست مجازات در باره آفتابه دزد اعمال می شود ولی درباره کسی که دویست هزار تومان می دزدد اعمال نمی شود آفتابه دزد را مجازات می کنند ولی کسی که می گوید ملک من باندازه خاک بلزیک است و هفت کرور مالیات دولت را نمی دهد و همینطور درباره سایر گردن فرازان و متشخصین و اعیان و صاحبان نفوذ اصلا قانون اجرا نمی شود و بهزار تعبیر و تفسیر مالیات خود را نمی دهند اما حمل و کاسب و کار گریبچاره را توی سرش می زنند و درباره آنها حکم و قانون هست و شش نفرش نفر را اعدام می کنند اما تا کنون دیده نشده یکی از آن دزدهای اعیان و اشراف را مجازات بدهند بنده که ندیده ام ولی آفتابه دزدها هر روز در نظمی توقیفند من طرفدار گذراندن قانون مجازات هستم زیرا باید هر چه زودتر گذرانند تا بعد از گذشتن آن بنده حق داشته باشم سؤال کنم چرا فلان ماده قانون مجازات را در باره فلان السلطنه یا فلان الدوله که در حکومت خود آدم می کشد اجرا نکرده اند البته حالا هم قانون مجازات شریعی هست ولی باید يك قانون مجازاتی که موافقت با قانون شرع داشته باشد ولی فارسی و ماده ب ماده باشد نوشته شود تا بنده هم که عربی نمی دانم بفهمم و از آنرو بتوانم از وزیر سؤال کنم که چرا فلان ماده اجرا نشده

جلسه تشکیل داده اند
سلیمان میرزا - بنده در آن کمیسیون انتخاب نشده ام
آقا میرزا محمد نجات - آیا دوسبه هارا خواسته اند و رسیدگی کرده اند مردم تقصیری ندارند سیزده ماه است مجلس باز شده ما چه کرده ایم در این سیزده ماه کدام قانون از مجلس گذشته می فرمایند دزد باید مجازات شود قانونش را ما باید بنویسیم که آن قانونیکه ما برای دزد دویست هزار تومانی نوشته ایم ؟ بنده نشان بدهید تا بنده بگویم حق با حضرت والا است بلی یکی از اصول قانون اساسی می گوید فرضه بدون تصویب مجلس نباید بشود ولی اگر کسی این کار را کرد مجازاتش چیست ؟ قانون اسلام می گوید دزدی بد است و اگر يك کسی دزدی کرد قانون مجازات هم بپلویش هست قانون اساسی هم می گوید فرضه نباید بشود ولی اگر يك دولتی آمد این گناه را کرد از شما سؤال می کنم مجازاتش کجاست کمیسیون این پیشنهاد را باین جهت قابل توجه دانست که يك درجه مجازاتی برای این کار معین شده باشد این پیشنهاد می گوید فرضه بشود ملت ایران مدیون آن نیست یعنی هر کس آن قرض را کرده خودش باید بدهد خود این یکدرجه مجازات است همان مجازاتی که حضرت والا فریاد می زنند در همین پیشنهاد يك درجه از آن هست پس چرا حضرت والا تعاضی و مخالفت می کنند این پیشنهاد را بخوانند ببینید آیا مه ازات است یا نه ؟ حالا اگر این مجازات کم است در کمیسیون شریف ببرید و زیاد تر پیشنهاد بفرمائید البته مواد قانون اساسی بجای خود مقدس است ولی پهلوی هر ماده مجازات هم لازم است بنا بر این کمیسیون مبتکرات این پیشنهاد را خیلی لازم می داند و يك ماده حیاتی برای مملکت تصور می کنند زیرا اگر این پیشنهاد تصویب شود دیگر کسی فرضه نمی کند و هیچ کس هم فرضه نخواهد داد و هیچوقت هم دوره فترت پیدا نخواهد شد و بعقیده بنده اگر حضرت والا توجه بفرمائید تصدیق خواهند فرمود که این خوب پیشنهادی است

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟
 محمد هاشم میرزا - در مراض بنده سوء تفاهم شده اجازه می فرمائید
 رئیس - رفع سوء تفاهم را بفرمائید
 محمد هاشم میرزا - بنده با يك قسمت عمده فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا موافق بودم بنده عرض کردم همانطور که ماتکلیف خود را می دانیم مردم هم می دانند و قانون اساسی را می فهمند و مادام که زورشان برسد مالیات نخواهند داد و اینکه عرض کردم چند نفر زاندارم می فرستند مقصود این نبود که

ملت را تهدید کنم مقصود این بود به ملت تعدی نشود بنده با حضرت والا موافقم و این اظهاراتی که آقای نجات می فرمایند این قانون اساسی است بلی اگر مقصود مجازات است ممکن است يك مجازاتی را کمیسیون مبتکرات پیشنهاد کنند تا مذاکره شود ولی این پیشنهاد این قانون اساسی است و اهمیت قانون اساسی را می کاهد باین جهت بنده مخالف هستم این را هم عرض می کنم که دعوت بانقلاب در این موقع مملکت مقتضی نیست مردم ما را وکیل کرده اند که ما کار آنها را بکنیم کدام قانون را ما گذرانده ایم که دولت اجرا نکرده چرا ما باید مردم را در این موقع دعوت بانقلاب کنیم

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که آنرا قابل توجه می دانند قیام بفرمائید
 همه قلبی قیام نمودند
 رئیس - قابل توجه نشد

نجات - پس معلوم می شود هر مالیات و فرضه بدون اجازه مجلس گرفته شود صحیح است
 (جمعی گفتند اینطور نیست قانون اساسی صراحت دارد)
 رئیس - يك فقره رایت دیگر راجع به مروتیت متوسلین بمنابع خارجی به کمیسیون رفته و از کمیسیونهم اعاده شده ولی چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند از دستور امروز خارج شود مخالفی نیست
 (بعضی گفتند خیر)
 رئیس - سابقاً عرض کردم که از طرف دولت چند فقره شهریه و حقوق تقاعدی تقاضا شده بود کمیسیون بودجه تصویب نکرده است باید در این باب رأی گرفته شود قرائت می شود (سه فقره لایحه پیشنهادی دولت بمضمون ذیل قرائت شد مجلس مقدس شورای ملی شهادت ارکانه شاهزاده علی خان که از مأمورین قدیم وزارت مالیه بوده در سنه ماضیه بیچای بیل مامور مالیه نظیر گردیده و در اوایل هذمهالسنه در محل ماموریت وفات نموده نظربه پاس خدمات صادقانه آن مرحوم و رعایت خاطر باز ماندگانش تا زمانی که قانون تقاعد مستخدمین دولتی از تصویب مجلس مقدس شورای ملی نگذشته است وزارت مالیه دو ماده ذیل را پیشنهاد می نماید

۱ - درباره يك نفر دختر علیله و عاجزه او از تاریخ فوت شاهزاده علی خان مادام الحیوة ماهی پنج تومان برقرار شود
 ۲ - در حق يك نفر عیال و دو نفر دختران مرحوم از تاریخ فوت تا زمانی که شوهر اختیار نکرده اند ماهی پانزده تومان بالسویه برقرار گردد

(مقام محترم مجلس متدس شورای ملی شیدالله ازگانه)

مدولانظر بیاس خدمت وسابقه هر یک از صاحب منصبها و آژانها نظمی که در خدمت دولت فوت می نمایند تا مدت معینی پورته آنها شهریه داده می شده است اخیراً اداره نظمی برای ورته هده صاحب منصب و آژان که فوت کرده اند تقاضای شهریه کرده است لذا تا زمانی که قانون وظایف باز ماندگان مأمورین از تصویب نگذشته است وزارت داخاماده واحده ذیل را پیشنهاد و تقاضای تصویب می نماید

- ۱. ورته محمد علی خان سوزافسیه در مدت یکسال در ماه ۱۴۰ قران
- ۲. ورته علی نقی میرزا آژان درجه ۱ برای مدت یکسال در ماه ۹۰ قران
- ۳. ورته حسن بیگ آژان درجه ۲ برای یکسال در ماه ۹۰ قران
- ۴. ورته ابوالفتح بیگ آژان مامور گارد شهری در مدت یکسال در ماه ۹۰ ریال
- ۵. ورته حسن بیگ آژان نمره ۱۹ درجه ۲ مامور ناحیه ۶ در ماه ۹۰ ریال
- ۶. ورته نبی بنان آژان درجه ۲ مامور مجلس برای مدت ۳ ماه در ماه ۱۸۰ قران
- ۷. ورته قاسم بنان آژان درجه ۲ نمره ۵۶۱ که از پشت بام بازار در موقع خدمت پرت شده و فوت نموده است برای مدت ۳ سال از قرار در ماه ۹۰ قران
- ۸. ورته عباس خان آژان درجه ۲ نمره ۵۶۰ ج و گارد شهری برای مدت یکسال در ماه ۹۰ قران

مقام محترم مجلس شورای ملی شیدالله ازگانه

امام قلی خان و حسن خان فیلی در انقلاب اخیر فارس قتل شده اند برادر آنها نیز چندی قبل فوت شد و برای وراثت آنها سرپرستی باقی مانده بدون استحقاق و استیصال مادر و یک نفر صغیره از بازماندگان آنها برطبق تصدیق معاریف فارس مسلم کرده بر بنایت حال وراثت مزبور دو ماده ذیل را پیشنهاد و تقاضای تصویب آن را می نماید

ماده اول - از اول حمل ایت ثیل ۱۲۰۱ ماهی ده تومان در حق ورته از قرار شرح ذیل برقرار می شود
ایران خانم مادر امام قلی خان و حسن خان پنج تومان (۵۰ قران) همدم خانم صغیره پنج تومان (۵۰ قران)
ماده دوم - برقراری شهریه فوق در باره ایران خانم مادام العیوة و در حق همدم

خانم صغیره تا زمانی است که شوهر اختیار نکرده است

رئیس - این سه فقره پیشنهاد طبع و توزیع شده بود رابرتی هم که کمیسیون داده قرائت می شود و باید در آن رأی بگیریم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

لوايح ۲۶۵۸ و ۲۶۱۸ و ۳۸۱۵۸ دولت در کمیسیون بودجه مطرح و نظر باینکه قانون استخدام از کمیسیون گذشته و در مجلس مطرح خواهد شد و نظر باینکه در موضوع لوايح مزبوره و نظایر آن بایستی يك اصل کلی اتخاذ شود کمیسیون بودجه مراجعه لوايح مذکوره در فوق را بدوالت تصمیم و انتظار دارد که یاد ذیل قانون استخدام و یاد ر لایحه جداگانه اصلی که شامل موارد فوق الذکر و نظایر آن باشد اتخاذ و پیشنهاد نمایند

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - بنده با رابرت کمیسیون موافقم ولی نه من باب اینکه نسبت به ضعفای نباید رهایی نمود والله عقیده ام این است که بعد از تحقیق بایستی همه گونه مساعدت با آنها بشود ولی از چندی باینطرف هیئت دولت لوايح زیادی از این قبیل بمجلس می فرستند و بهیچ وجه فلسفه و جهتی برای آن ذکر نمی کنند لذا کمیسیون در نظر گرفت که در ضمن قانون استخدام یا لایحه دیگری يك اصل کلی اتخاذ شود تا نسبت بتمام مأمورین مراعات کرده و فرقی بین آنها قرار داده نشود زیرا خود فرق گذاشتن يك ظلمی است

لذا موقتاً این لوايح را مسترد داشت یا انشاءالله الرحمن بزودی در مجلس يك فلسفه راجع باین مطلب اتخاذ شود و البته آن فلسفه ها شامل حال این لوايح خواهد بود و در آن وقت تصویب خواهد شد

این نظر بود که بنده با این راپورت اظهار موافقت نمود

معاون وزارت داخله راجع باین قبیل پیشنهاد ها اگر چه همان طور که فرمودند تا بحال اصل واحده معینی اتخاذ نشده

ولی غالباً بموجب احکام و تصویب نامه های دولت نسبت ببازماندگان اشخاصی که در خدمت دولت فوت می شده اند خصوصاً راجع بمأمورین نظمی از قبیل آژان و صاحب منصب شهریه پیشنهاد می شد و دولت هم چون مجلس نبود تصویب می نمود

ولی حالیه که مجلس شورای ملی موجود است البته این گونه لوايح بایستی از تصویب مجلس بگذرد و اما اینکه فرمودند

خوب است دولت يك اصل کلی یا فلسفه پیشنهاد نماید

عرض می کنم در موقعی قانون استخدام تحت مطالعه است و این مراتب در آنجا پیش بینی شده است

دیگر پیشنهاد يك لایحه جداگانه مورد ندارد

ولی تا قانون استخدام نگذشته بایستی به يك ترتیب در باره ورته مستخدمین دولت رهایی بشود و آن اصل کلی هم البته در قانون استخدام پیش بینی خواهد شد

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه

(اجازه)

حاج نصیر السلطنه - توضیح عرض میکنم که کمیسیون بودجه پیشنهادات دولت را راجع باین اشخاص رد نکرده زیرا همان طور که آقای مدرس فرمودند مجلس شورای ملی همیشه رعایت استحقاق يك مشت اطفال صغیر مأمورین دولت را در نظر دارد و آقایان نمایندگان هم این مسئله را بزرگترین اصل استخدام می دانند ولی مقصود کمیسیون بودجه این است که چون ممکن است این لوايح خیلی زیاد بمجلس بیاید (چنانکه تا بحال هم آمده است) و اوقات مجلس را تلف نماید لذا این لوايح را مسترد داشت تا همان طور که در قانون وظایف اصولی راجع بمقوق اشخاص متوفی پیش بینی شده است راجع باین مطلب هم يك اصل کلی اتخاذ شود تا پس از تصویب وزارت مالیه نسبت به عموم وراثت مقتولین و متوفین معمول دارد و چون قانون استخدام در مجلس مطرح است نظر کمیسیون این است که یکی دو ماده هم راجع باین مطلب بر آن ضمیمه شود تمهیداً اگر دولت یا وزارت داخله تصور می کند که تا تصویب قانون استخدام این مطلب شاید بتأخیر بیفتد و اشکالی تولید کند کمیسیون بودجه ابداً مخالفی ندارد و ممکن در تصویب آن با آقایان موافقت نماید

رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - بنده خیلی متأسفم که تازه کمیسیون بودجه باین مسئله پی برده است که باید برای يك هده بازماندگان اشخاص متوفی اصلی اتخاذ نماید این پیشنهادات راجع باشخاص فقیر و بی بضاعت می باشد که کسان آنها در راه زحمات و خدمت دولت تلف شده اند یکی از آنها امام قلی خان و حسن خان فیلی است اینها دو برادر بودند خیلی حساس و خدمتگزار وطن بودند پس از اینکه انگلیس ها شیراز وارد شدند این دو برادر بدست اشرار داخلی بطرز بسیار فجیعی و وضع ناگواری کشته شدند دولت برای بازماندگان این دو برادر که در مقابل یکدیگر در يك روز بجرم وطن پرستی و

وطن خواهی و اسلام پرستی کشته شدند حقوقی پیشنهاد می نماید که بیستون آنرا در کمیسیون همین مجلس مقدس بدبختانه شاید خود من هم برای اشخاصی که استحقاق نداشته اند ۵۰ تومان و ۱۰۰ تومان شهریه تصویب کرده ایم و نیز در همین مجلس تقاضا میشود بدون آنکه صورت مستمریات بمجلس بیاید وزیر مالیه بپردازد ولی برای این اشخاص که در راه وطن کشته شده اند تازه قائل بفلسفه و اصل کلی و پرنسیب شده اند بنده خیلی تعجب میکنم که تازه کمیسیون بیدار شده و این لوايح را رد کرده بنده گمان می کنم برای این بوده است که این بیچاره ها واسطه نداشته اند

بعضی از نمایندگان بطور همه و اعتراض چنین نیست

آقای میرزا علی کازرونی - اگر چنین نیست چرا راجع به سایرین تصویب شده اما مال این بیچاره ها رد شده است بنابراین بنده کاملاً با پیشنهاد دولت موافق و با راپرت کمیسیون مخالفم

مدرس - اجازه بفرمائید توضیحی دارم

رئیس - بفرمائید

مدرس - بخصوص این دو نفر که آقای کازرونی فرمودند شیرازی بودند ما هم تحقیق کرده ایم غارتگر بوده اند ما هم تصویب نخواهیم کرد ولی نسبت به سایرین بلی ما هم می دانیم ضعیف هستند لذا کمیسیون رد نکرده ولی عقیده دارد که باید در تحت يك اساسی باشد تا دولت بداند که بعد از اینکه شخص فوت نمود باید ثلث و یا نصف حقوقش را در حق وراثت بشود بطور شهریه بپردازد و بداند که فلان وراثت دو تومان و بدیگری ۵ تومان باید بدهد و اما اینکه فرمودید شهریه ما تصویب شده بلی فرق است میان بنان بریدن و نان دادن کمیسیون هم آنچه توانست قطع کند قطع کرده و آنچه را که نتوانست باقی گذارد و راجع بمستمریات هنوز نظری نکرده ایم لذا خوب است آقای کازرونی اوقاتشان تلخ نشود زیرا کمیسیون این پیشنهادات را رد نکرده و منتظر اتخاذ اصلی کلی است و در خصوص آن ۲ نفر ما که شیرازی نیستیم و خبر نداریم لیکن همان طور که عرض کردم با آنطور راپورت دادند لذا ما هم رأی نداشتیم

رئیس - يك قدری از حدود توضیح خارج شدید

آقای دست غیب

(اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - آنچه بنظر بنده می رسد اساساً بعضی مذاکرات و بعضی حرفها است که باید با کمال نزاکت اصل و روح قضیه را گفت

بدون اینکه محتاج باشیم بعضی عبارات بگوئیم که بذهن بعضی ها ناگوار باشد راجع باین فقره لایحه بنده سر بسته عرض میکنم لایحه راجع بازان مبرهن است که در خدمت دولت فوت کرده اند و ورثه اش فقیر هستند و از تصویب مبلغ جزئی در حق آنها بر بودجه مملکت سبقتی وارد نمی شود و باید

تصویب شود و لازم نیست برای این مسائل جزئی این همه وقت مجلس تلف شود اما راجع بآن دو نفر همین قدر سر بسته عرض میکنم آن دو نفر راهم که بنده بعالم آنها سابقه دارم سزاوار می دانم چون ورثه آنها صغیر و فقیر و بی بضاعت هستند این مسئولیت را با شیرازی ها بگردن می گیریم که يك مبلغ جزئی در حق آنها تصویب شود این هم كمك است و هم محض تشویق عیب نخواهد داشت.

نصرت الدوله - مخبر کمیسیون بودجه - چون بنده در قسمت اول مذاکرات نبودم نفهمیدم از چه نقطه نظر اعتراضات بر کمیسیون وارد است ولی از قسمت اخیر مذاکرات که شنیدم این طور تصور میکنم که بقول آقای مدرس این اعتراضات مبتنی بر يك سوء تفاهمی نسبت بمقبضه و نظریه کمیسیون می باشد کمیسیون بودجه چه در مورد این لوایح و چه در مورد نظایر آن يك نظر نفی وردی نداشته و گمان نمی کنم هیچ يك از نمایندگان محترم هم این نظریه را داشته باشند که

بورات مستحق يك مستخدمی که در حین خدمت بدولت مقتول یا فوت یا ناقص می شود دستگیری نه نمایند خود بنده خوب در خاطر دارم که در موقع دفاع از بعضی لوایح و رایورتهای کمیسیون بودجه در مقابل اعتراضات همین آقایانی که امروز از این راه اعتراض می نمایند مخصوصاً از این نظریه که دولت باید در حق ورثه مستخدمین خود رعایت نماید دفاع کردم ولی در این موقع اگر کمیسیون بودجه يك نظر دیگری غیر از تصویب آن ها اتخاذ کرده برای این بوده است که این مسئله يك صورت اصلی و اساسی پیدا کند زیرا نظایر این لوایح خیلی زیاد است و کمیسیون بودجه باید هر روز مواجه شود با تصویب يك حقوقی برای ورثه يك مستخدم مقتول یا متوفی که در خدمت دولت فوت نموده و همیشه با يك لوایح و پیشنهادهائی که مبنی بر يك اصل مسلمی نیست مواجه شود بالاخره

مواجه شود با يك اعتراضاتی که از طرف آقایان نمایندگان و اشخاص دیگری می شود که می گویند این پیشنهادات بیشتر برای مستخدمین می شود که واسطه دارند و بهتر می توانند دولت را مستحضر نمایند که يك چنین حادثه سوئی برای آنهاست

داده وای بسا مستخدمینی که دچار این بدبختی ها می شوند و کسی نیست که فکری بعالم آنها بکند و دولت هم ابتدا در خیال آنها نیست بلی در مقابل تمام این قضایا کمیسیون بودجه این طور عقیده پیدا کرد که يك نظر کلی اتخاذ شود که در این گونه موارد مدرک باشد و کمیسیون بودجه بر طبق آن رفتار نماید بنده نمی فهمم این اعتراضات چیست ؟ آیا اگر کمیسیون بودجه تقاضا کرده است دولت بکموادى راجع باین مسئله پیشنهاد کند تا مجلس تصویب نماید يك خطائی را مرتکب شده است ؟ بالاخره باید يك روزی کمیسیون بودجه دولت را متذکر کند که برای خاتمه دادن باین پیشنهادهای يك اصل کلی اتخاذ نماید و یقیناً در هر مورد که این تذکر داده شود همین اعتراضات وارد است و خواهند گفت چرا این موقع متذکر شدید و موقع دیگر محول ننمودید بنابراین بنده اشکالی در این مورد نمی بینم فقط دعوتی است که کمیسیون بودجه از دولت می نماید که قانون حقوق وراثت مستخدمین مقتول یا متوفی را ترتیب داده و پیشنهاد نماید و اگر بعضی از آقایان صلاح می دانند خود مجلس این اصل را اتخاذ نماید چه ضرر دارد الا از طرف یکی از آقایان یکی دوماهه ببقام ریاست پیشنهاد شود تا مطرح گردد بنده نمی فهمم چرا این صحبتها و کشمکش ها می شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده همانطور که شاهزاده نصرت الدوله فرمودند با اتخاذ يك اصل کلی موافقم لکن با آن بیانات و دقایقی که آقای آقا میرزا علی کازرونی اظهار کردند مخالفم اما در ایران که چند دوره انقلاب پیدا شده ما اگر می خواهیم اشخاصی را که در انقلاب بوده اند تعقیب کنیم و به بینیم آیا آن انقلابات بعالم مملکت نافع بوده است یا مضر شاید بالاخره به يك جائی منتهی شود که خوب نباشد بنده موافقم که ورثه آن دو نفر که آقای آقا میرزا علی فرمودند جزئی مساعدتی بشود لیکن بنده عرض می کنم که اگر کسی اطلاع داشته باشد می داند که این دو برادر در فارس هفتاد خانرا چایبند و غارت کردند البته و اناتیه آنها را بطهران آوردند و فروختند بدست همین اشخاص نصف خاك فارس بسا خاك يكسان شد و باز هم بدست همین دو برادر صحرای شیراز غرقه خون گشت بلی اگر باید رجوع بتاریخ کرد بنده هم تاریخ می گویم بنده هم شیرازی هستیم و از وقایع شیراز اطلاع دارم و هیچ هم نمی توانم بمن نسبت طرفداری انگلیس یا غیره را بدهم من يك نفر مجاهد مسلمان ایرانی هستم و تاریخ هر من این مسئله را ثابت می کند بلی اگر

بناشود عملیات دوره فترت تعقیب شود گذر عارف و عامی همه بردار افتد ما هانی توانیم عملیات دوره فترت را تعقیب کنیم آقای آقا میرزا علی چرا از دروازه شیراز تا بوشهر را غرقه خون کردید؟ و چرا تمام ملت ایران را بدبخت نمودید؟

بنده بهتر می دانم که این مسئله تعقیب نشود و چون طرفدار این نیستم که باز دو طرف مخالف تشکیل بدهم و اسباب زحمت شویم موافقت می نمایم که با آنها صد تومان دوست تومان یکدفعه والا بایستی شهریه قرارداد زیرا از طرف مقابل هم همین پیشنهاد می شود و ما هم بایستی طرفین را متساویاً نگاه کنیم مجلس نماینده تمام ملت ایران است و باید حفظ حقوق عامه ملت را بنماید و عادلانه حکم کند این است که بنده عرض می کنم این مسئله غیر از تولید اختلافات در فارس هیچ نتیجه ندارد ولی اگر يك دفعه دوات يك مبلغی بآنها بدهد مخالفت ندارم.

معاون وزارت داخله - راجع به اصلی که فرمودند وظیفه دولت است پیش بینی نموده و پیشنهاد نماید چنانکه عرض کردم این اصول پیش بینی شده و ضمیمه قانون استخدام است و چون آن قانون در مجلس شورای ملی مطرح است پیشنهاد يك اصول دیگری در این موضوع ضرورت نخواهد داشت و راجع به پیشنهادهائی که اخیراً دولت کرده است البته ممکن است راجع به آنها بجا بگذرد نظری اتخاذ شود و نظر ضرورت مورد استحقاق حال آنها تصویب گردد و هر حال همیشه معمول بوده است که برای وراثت مأمورین که در خدمت مؤثری فوت نموده اند خود هیئت دولت وظیفه تصویب نموده معلوم است حال باید از روی يك اصل معینی رأی داده شود و آن اصول هم در قانون استخدام پیش بینی شده و در تحت مطالعه است بنابراین لایحه دیگری ضرورت ندارد.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی نمی دانند؟

گفته شد کافی است
رئیس - رایورت کمیسیون بودجه مجدداً قرائت می شود و بعد رأی می گیریم.

سلیمان میرزا - بنده پیشنهادی در این موضوع نموده ام.

مخبر - بنده می خواهم در این جا توضیحی عرض کنم آقای کفیل وزارت داخله اظهار نمودند چون این اصول در قانون استخدام پیش بینی شده باین ملاحظه تقدیم لایحه جداگانه مورد ندارد و از طرفی هم فرمودند مجلس ممکن است در اینگونه موارد يك نظر خاصی اتخاذ کند و اگر صلاحیت دارد تصویب و الورد نماید بنده تصور می کنم نظر کمیسیون بودجه هم

همین بوده است که يك وجه حلّی برای این مسئله تهیه شود و نظر دیگری نداشته حال اگر دولت یا وزارت داخله عجله دارد که این پیشنهادات قبل از اینکه قانون استخدام تصویب شود از مجلس بگذرد ممکن است پیشنهادات خودشان را مسترد دارند و يك پیشنهادی جدیدی مبنی بر همان ترتیب که در قانون استخدام ذکر شده بفرمایند و آن قانون را ملاک پیشنهادات خود قرار بدهند تا طرح شود و تصویب گردد

کفیل وزارت داخله - اصلاً تزلزل این که قانون استخدام تقدیم مجلس شود این پیشنهادات تقدیم شده حالا اگر نظریه کمیسیون این باشد که این پیشنهادهای تجدید شود و با اصولی که در قانون استخدام برای وراثت متوفی ذکر شده تطبیق کرده عیبی نخواهد داشت و برای دولت ممکن است لکن تصدیق می فرمایند برای يك شهریه خیلی جزئی که در حق وراثت چند نفر مأمور نظمی آنها برای مدت يكسال تصویب می شود بایستی اینقدر تأخیر بیفتد و در هر حال بنده با تجدید نظر و تطبیق آنها با اصول قانون اساسی مخالفتی ندارم.

پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا قرائت می شود.

(بعضون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد می کنم که در موضوع سه فقره پیشنهادهای حقوق تقاعد و وظایف وراثت مأمورین چنین تصویب نمود ماده واحده - بورات مستخدمین مذکور ماده مادام که قانون استخدام تصویب نشده ثلث حقوق آنها داده شود (سلیمان محسن)

رئیس - آقای سلیمان میرزا توضیحی دارید؟

سلیمان میرزا - بنده آنچه از توضیحات آقایان و مخبر کمیسیون بودجه فهمیدم این است که بایستی در حق ورثه این اشخاص خواه خوب خواه بد آنها کاری ندارم (زیرا بطور کلی ورثه مستخدمین دولت گناهی ندارند)

باید يك مبلغ جزئی برقرار شود و تصویب ماهی پنج تومان یا ده تومان در این مملکت چیز قابلی نیست و البته در صورتی که بتوان يك خانواده را با ماهی پنج الی ده تومان از گرداب فلاکت نجات داد تصویب آن ضرری ندارد و گمان نمی کنم مخالفتی هم باشد فقط چیزی که هست همانطور که فرمودید باید تمام آنها در تحت يك اصلی باشد و آن اصل هم در قانون استخدام پیش بینی شده لکن باید دید تا موقعی که قانون استخدام از مجلس نگذشته آیا این اشخاص باید از کرسنگی تلف شوند؟ لذا در صورتی که جمع تمام این چند فقره حقوق در ماه از شصت یا هفتاد تومان تجاوز

نمی نماید در صورتی که جمع تمام این چند فقره حقوق در ماه از شصت یا هفتاد تومان تجاوز نمی نماید و در صورتی که از طرف دیگر جمع شهریه ها از چهل هزار تومان متجاوز است بنده اینطور تصور می کنم اگر آقایان موافقت فرمایند بورات این مستخدمین و آزانهایی که در سر خدمت تلف شده اند و خانواده بیچاره آنها شاید تا یکی دو ماه دیگر از فقر و فلاکت از بین بروند خوب است مادامی که قانون استخدام نگذشته است ثلث حقوق آنها را بورته شان بدهند و گمان نمی کنم با اصلی هم که در قانون استخدام اتخاذ شده چندان تفاوتی داشته باشد و فرضاً يك آزانی که بیست و دو تومان حقوقش باشد ثلث حقوقش بورته او داده شود چه میشود ؟

اگر آقایان موافقت فرمایند این دوسه ماه تا قانون استخدام بگذرد این مبلغ داده شود چون هم اینقدرها اضافه بر بودجه نخواهد شد و هم در این باب مدتی امروز حرف زده ایم باید به يك جاایی برسانیم و گمان می کنم مجدداً مراجعه بدولت بشود بر گردد ارزش نداشته باشد پس خوب است آقایان موافقت فرمایند که بورته این اشخاص نامدنی که قانون استخدام از مجلس نگذشته است ثلث حقوقشان را بدهند بنده که قانون استخدام گذشت هر طوری که در اینجا معین بنده اجرا شود .

مخبر کمیسیون -- در این موضوع همانطور که گفته شد کمیسیون بودجه با آقایان و شاهزاده سلیمان میرزا موافقت دارد و وارد و کاریگر را باید کردا کرد دولت لوابخ خودش را برای تعدید پیشنهاد مسترد دارد مطلب تمام است و اگر بخواهد این کار را بکنند پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا را بنده قبول می کنم که بر گردد بکمیسیون تاراج به ثلث حقوق و تقسیم آن بورته بیعت و مطالعه شود حالا اگر آقای معاون وزارت داخله قبول کرده اند که برای تجدید پیشنهاد لوابخ را مسترد دارند این مطلب يك مشکل دیگری پیدا می کند و اگر می خواهند بموجب پیشنهاد سلیمان میرزا بر گردد بکمیسیون بنده قبول می کنم

کفیل وزارت داخله -- اینکه برود در کمیسیون و در آنجا در روی يك اصلی نظری بشود بهتر است و نتیجه بهتر گرفته می شود .

رئیس -- رأی می گیریم به پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا (بکنند از نمایندگان مخبر قبول کردند)

رئیس - آقای مخبر پیشنهاد را قبول کردند که بر گردد بکمیسیون

مخبر -- بلی
رئیس -- چند دقیقه تعطیل میشود

مدرس -- نزدیک ظهر است اگر جلسه را ختم فرمائید بهتر است در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس -- يك فقره راپرت کمیسیون بودجه راجع بخریداری عمارت برای ژنرال قونسلگری بغداد طبع و توزیع شده و چون دولت باین فقره اهمیت می دهد و فوریتش را تقاضا کرده است فرانت می شود و اگر آقایان موافقت حالاندا کرده شود و الا بنامند برای جلسه آتی

مدرس -- حالا مطرح شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه لایحه ۱۳۰۲ ر ۱۳۴۳۴ وزارت امور خارجه را راجع بخریداری عمارت مسکونی ژنرال قنسل ایران در بغداد برای دولت و تقاضای پنجاه هزار روپیه اعتبار تحت مطالعه در آورده و ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب می نماید .

رئیس -- آقای محمد هاشم میرزا موافقت ؟

محمد هاشم میرزا -- بلی
رئیس -- آقای حاج شیخ اسدالله ؟

حاج شیخ اسدالله -- موافقت
رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

چطور ؟
آقا سید یعقوب -- بنده موافقت
رئیس -- آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا -- البته برای اینکه يك بنائی برای ژنرال قونسلگری خرید شده بسیار خوب است ولی چون بنده در موقع مراجعت از آن مسافرت طولانی هفده روزه در آن بنا بوده ام عرض می کنم این بنا بکلی بی مصرف و غیر قابل استفاده است عرض می کنم این بنا بکلی بی مصرف و غیر قابل استفاده است بنده کاملاً در این بنا گردش کرده ام و باید يك مخارج فوق العاده در اینجا بکنند و بنارا خراب کرده و مجدداً بسازند و از طرف دیگر چنانکه آقایان می دانند قیمت این بنه روپیه تنزل گذاشته و این مبلغ که پیشنهاد شده قیمت آن موقعی است که این لایحه پیشنهاد شده و حالا شاید مبلغی تنزل کرده باشد بملاوه ۳ دانگ این خانه را در سابق بيك مبلغی که صدش در نظرم نیست رهن کرده اند و این قیمت سه دانگ دیگر است و اگر آقایان در نظر دارند این خانه خریداری شود باید طوری باشد که صرفه دولت هم در آن منظور شود بملاوه عقیقه بنده این است که با مبلغی کمتر از این می توانند یکی از بناهای خوب آنجا را بخرند که فضایش کمتر باشد ولی ساختمانش عالی تر از آن باشد این عمارت يك فضای زیادی دارد با

اطاقهای زیاد مخروطی و بی مصرف فقط چیزی که هست کنار شط است و حسن دیگری ندارد و عنقریب خراب خواهد شد

مخبر -- در اصل موضوع که شاهزاده سلیمان میرزا موافقت کردند که خریداری عمارت برای ژنرال قونسلگری بغداد لازم است ولی اعتراضی که فرمودند اول این بود که این بنا را ملاحظه کرده اند و دیده اند این بنا خوب بنائی نیست و باید اورا خراب کرد و بنده هم قبل از ایشان این بنا را دیده ام و با ایشان موافقت و گویا فرمایش ایشان از این نقطه نظر باشد که این بنا قدیمی است و ما باید يك بنا بطرز ساختمان های امروز داشته باشیم و نباید از فرمایش ایشان اینطور استفاده بشود که این بنا خراب قابل سکونت نیست و دولت نباید در صد خریداری او براید بلکه قابل سکونت هست و باید مختصر تعمیری که بکنند این بنا برای ژنرال قونسلگری کافی خواهد بود دیگر اینکه فرمودند سابق این بنا رهن بود به همین ملاحظه است که دولت هم پیش از پنجاه هزار روپیه اعتبار نخواسته در صورتیکه قیمت آن بیشتر است و قیمت قسمت دیگرش هم همان پولی است که بابت رهن داده شده و اینکه ایشان فرمودند ممکن است از این بنا ارزانتر خریده شود این راهم نمی دانم ممکن است یا هست ولی بيك مسئله که مسلمی است این است که صاحب این خانه مشتری پیدا کرده و جدا آن را می خواهد بفروشد و دولت مجبور است نسبت باین بنا بيك تصمیم فوری اتخاذ کند یا این بنا بخرد یا اینکه واگذار کند و بیرون برود و مطابق اطلاعاتی که دولت داشت و بکمیسیون اظهار نمود در این دفعه اخیریکه در بین النهرین اتفاق افتاده اینیه ترقی کرده جا هیچ نیست و اندازه مردم محتاج بجا هستند که با اینکه سابق معمول نبود در بین النهرین بیش از بيك عائله در بيك خانه زندگی حالاً مجبور شده اند عائله و ده عائله در بيك خانه زندگی میکنند زیرا جمعیت و کار زیاد شده و بنا کم است و قیمت آن ترقی کرده و به همین ملاحظه هم کمیسیون نظر دولت را تصویب کرده است و ردی هم رفته خوب است این بنا خریداری شود چون بيك مقداری پول برای رهن ۳ دانگ این بنا داده شده مازاد آن را هم دولت می دهد و خریداری می نماید

محمد هاشم میرزا -- بنده چون ندیده ام عرض می کنم باید بموجب قانون محاسبات عمومی که دوازده سال قبل آن قانون را گذرانیده ایم و حالا فراموش شده دولت باید اعلان مناقصه بدهد که چنین عمارتی با چندین اطاق در فلان نقطه لازم دارم و هر کس ارزانتر فروخت از او خریداری نماید و الا قانون محاسبات عمومی را باید نقض کنیم

رئیس -- آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله -- حضرت والادری کمیسیون بودجه موافق بودند حالا پس از توضیحات شاهزاده مخالف شدند در صورتی که در کمیسیون توضیحات لازم برای خریداری این محل داده شده و کمیسیون بودجه متقاعد شد و رأی داد که خریداری شود و آن این است که در معنی بيك محل مناسبی که حفظ حیثیات مملکتی را بکنند امروز در بغداد منحصر باین امکان است و بهتر از این مکان برای خریداری نیست و اینکه می فرمایند باید اعلان شود و باید مناقصه گذارده شود این مطابق اطلاعاتی که داریم شده است و مشتریان متعدد برای این خانه پیدا شده و این عمارت را از این قیمتی که الان مشتری دارد زیادتر می خرند چیزیکه هست بيك مقدار این خانه در رهن دولت است و مقداری وجه آن را داده و مختصری از وجه آن باقی است باین ملاحظه است که دولت می خواهد این خانه را بخرد

رئیس -- حالا مخالف هستید ؟
محمد هاشم میرزا -- بلی
رئیس -- فرمائید .

محمد هاشم میرزا -- بنده در اصل خریداری این بنا موافق بودم و در کمیسیون

آقایان می نمایند که تمام معاملات دولتی باید بنویسد بنده گنایان هم آن خانه را ندیده اند

محمد هاشم میرزا -- بنده چون ندیده ام عرض می کنم باید بموجب قانون محاسبات عمومی که دوازده سال قبل آن قانون را گذرانیده ایم و حالا فراموش شده دولت باید اعلان مناقصه بدهد که چنین عمارتی با چندین اطاق در فلان نقطه لازم دارم و هر کس ارزانتر فروخت از او خریداری نماید و الا قانون محاسبات عمومی را باید نقض کنیم

رئیس -- آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله -- حضرت والادری کمیسیون بودجه موافق بودند حالا پس از توضیحات شاهزاده مخالف شدند در صورتی که در کمیسیون توضیحات لازم برای خریداری این محل داده شده و کمیسیون بودجه متقاعد شد و رأی داد که خریداری شود و آن این است که در معنی بيك محل مناسبی که حفظ حیثیات مملکتی را بکنند امروز در بغداد منحصر باین امکان است و بهتر از این مکان برای خریداری نیست و اینکه می فرمایند باید اعلان شود و باید مناقصه گذارده شود این مطابق اطلاعاتی که داریم شده است و مشتریان متعدد برای این خانه پیدا شده و این عمارت را از این قیمتی که الان مشتری دارد زیادتر می خرند چیزیکه هست بيك مقدار این خانه در رهن دولت است و مقداری وجه آن را داده و مختصری از وجه آن باقی است باین ملاحظه است که دولت می خواهد این خانه را بخرد

رئیس -- حالا مخالف هستید ؟
محمد هاشم میرزا -- بلی
رئیس -- فرمائید .

محمد هاشم میرزا -- بنده در اصل خریداری این بنا موافق بودم و در کمیسیون

آقایان می نمایند که تمام معاملات دولتی باید بنویسد بنده گنایان هم آن خانه را ندیده اند

محمد هاشم میرزا -- بنده چون ندیده ام عرض می کنم باید بموجب قانون محاسبات عمومی که دوازده سال قبل آن قانون را گذرانیده ایم و حالا فراموش شده دولت باید اعلان مناقصه بدهد که چنین عمارتی با چندین اطاق در فلان نقطه لازم دارم و هر کس ارزانتر فروخت از او خریداری نماید و الا قانون محاسبات عمومی را باید نقض کنیم

رئیس -- آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله -- حضرت والادری کمیسیون بودجه موافق بودند حالا پس از توضیحات شاهزاده مخالف شدند در صورتی که در کمیسیون توضیحات لازم برای خریداری این محل داده شده و کمیسیون بودجه متقاعد شد و رأی داد که خریداری شود و آن این است که در معنی بيك محل مناسبی که حفظ حیثیات مملکتی را بکنند امروز در بغداد منحصر باین امکان است و بهتر از این مکان برای خریداری نیست و اینکه می فرمایند باید اعلان شود و باید مناقصه گذارده شود این مطابق اطلاعاتی که داریم شده است و مشتریان متعدد برای این خانه پیدا شده و این عمارت را از این قیمتی که الان مشتری دارد زیادتر می خرند چیزیکه هست بيك مقدار این خانه در رهن دولت است و مقداری وجه آن را داده و مختصری از وجه آن باقی است باین ملاحظه است که دولت می خواهد این خانه را بخرد

رئیس -- حالا مخالف هستید ؟
محمد هاشم میرزا -- بلی
رئیس -- فرمائید .

محمد هاشم میرزا -- بنده در اصل خریداری این بنا موافق بودم و در کمیسیون

هم رأی داده بودم ولی در جزو دوم که وارد شدیم دیدم مخالف قانون محاسبات عمومی است چون چندین ماده در آن قانون نوشته شده که تمام معاملات دولتی باید بنویسد بنده گنایان هم آن خانه را ندیده اند

اما خانه معین را که چند اطاق دارد و کجا واقع شده است در صورتیکه آن خانه را ندیده ایم

(بعضی از نمایندگان -- ما ندیده ایم)
محمد هاشم میرزا -- بنده که ندیده ام و اغلب آقایان هم آن خانه را ندیده اند

چطور می توانیم رأی بدهیم و تشخیص بدهیم .

آقا سید یعقوب -- اکثر آقایان ندیده اند اقل آقایان ندیده اند

محمد هاشم میرزا -- بنده چون ندیده ام عرض می کنم باید بموجب قانون محاسبات عمومی که دوازده سال قبل آن قانون را گذرانیده ایم و حالا فراموش شده دولت باید اعلان مناقصه بدهد که چنین عمارتی با چندین اطاق در فلان نقطه لازم دارم و هر کس ارزانتر فروخت از او خریداری نماید و الا قانون محاسبات عمومی را باید نقض کنیم

رئیس -- آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله -- حضرت والادری کمیسیون بودجه موافق بودند حالا پس از توضیحات شاهزاده مخالف شدند در صورتی که در کمیسیون توضیحات لازم برای خریداری این محل داده شده و کمیسیون بودجه متقاعد شد و رأی داد که خریداری شود و آن این است که در معنی بيك محل مناسبی که حفظ حیثیات مملکتی را بکنند امروز در بغداد منحصر باین امکان است و بهتر از این مکان برای خریداری نیست و اینکه می فرمایند باید اعلان شود و باید مناقصه گذارده شود این مطابق اطلاعاتی که داریم شده است و مشتریان متعدد برای این خانه پیدا شده و این عمارت را از این قیمتی که الان مشتری دارد زیادتر می خرند چیزیکه هست بيك مقدار این خانه در رهن دولت است و مقداری وجه آن را داده و مختصری از وجه آن باقی است باین ملاحظه است که دولت می خواهد این خانه را بخرد

رئیس -- حالا مخالف هستید ؟
محمد هاشم میرزا -- بلی
رئیس -- فرمائید .

محمد هاشم میرزا -- بنده در اصل خریداری این بنا موافق بودم و در کمیسیون

آقایان می نمایند که تمام معاملات دولتی باید بنویسد بنده گنایان هم آن خانه را ندیده اند

محمد هاشم میرزا -- بنده چون ندیده ام عرض می کنم باید بموجب قانون محاسبات عمومی که دوازده سال قبل آن قانون را گذرانیده ایم و حالا فراموش شده دولت باید اعلان مناقصه بدهد که چنین عمارتی با چندین اطاق در فلان نقطه لازم دارم و هر کس ارزانتر فروخت از او خریداری نماید و الا قانون محاسبات عمومی را باید نقض کنیم

رئیس -- آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله -- حضرت والادری کمیسیون بودجه موافق بودند حالا پس از توضیحات شاهزاده مخالف شدند در صورتی که در کمیسیون توضیحات لازم برای خریداری این محل داده شده و کمیسیون بودجه متقاعد شد و رأی داد که خریداری شود و آن این است که در معنی بيك محل مناسبی که حفظ حیثیات مملکتی را بکنند امروز در بغداد منحصر باین امکان است و بهتر از این مکان برای خریداری نیست و اینکه می فرمایند باید اعلان شود و باید مناقصه گذارده شود این مطابق اطلاعاتی که داریم شده است و مشتریان متعدد برای این خانه پیدا شده و این عمارت را از این قیمتی که الان مشتری دارد زیادتر می خرند چیزیکه هست بيك مقدار این خانه در رهن دولت است و مقداری وجه آن را داده و مختصری از وجه آن باقی است باین ملاحظه است که دولت می خواهد این خانه را بخرد

رئیس -- حالا مخالف هستید ؟
محمد هاشم میرزا -- بلی
رئیس -- فرمائید .

محمد هاشم میرزا -- بنده در اصل خریداری این بنا موافق بودم و در کمیسیون

آقایان می نمایند که تمام معاملات دولتی باید بنویسد بنده گنایان هم آن خانه را ندیده اند

محمد هاشم میرزا -- بنده چون ندیده ام عرض می کنم باید بموجب قانون محاسبات عمومی که دوازده سال قبل آن قانون را گذرانیده ایم و حالا فراموش شده دولت باید اعلان مناقصه بدهد که چنین عمارتی با چندین اطاق در فلان نقطه لازم دارم و هر کس ارزانتر فروخت از او خریداری نماید و الا قانون محاسبات عمومی را باید نقض کنیم

رئیس -- آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله -- حضرت والادری کمیسیون بودجه موافق بودند حالا پس از توضیحات شاهزاده مخالف شدند در صورتی که در کمیسیون توضیحات لازم برای خریداری این محل داده شده و کمیسیون بودجه متقاعد شد و رأی داد که خریداری شود و آن این است که در معنی بيك محل مناسبی که حفظ حیثیات مملکتی را بکنند امروز در بغداد منحصر باین امکان است و بهتر از این مکان برای خریداری نیست و اینکه می فرمایند باید اعلان شود و باید مناقصه گذارده شود این مطابق اطلاعاتی که داریم شده است و مشتریان متعدد برای این خانه پیدا شده و این عمارت را از این قیمتی که الان مشتری دارد زیادتر می خرند چیزیکه هست بيك مقدار این خانه در رهن دولت است و مقداری وجه آن را داده و مختصری از وجه آن باقی است باین ملاحظه است که دولت می خواهد این خانه را بخرد

رئیس -- حالا مخالف هستید ؟
محمد هاشم میرزا -- بلی
رئیس -- فرمائید .

محمد هاشم میرزا -- بنده در اصل خریداری این بنا موافق بودم و در کمیسیون

امروز نمی توان در بغداد چنین مکان مناسبی بدست آورد در صورتی که پیدا بشود دو برابر قیمت آن باید پول بدهند و آنوقت هم بهتر از این مکان نمی شود و اینکه می فرمایند باید بنایش خراب بشود و از نو ساخته شود اینطور نیست؟ و جزئی تعمیر امروز کافی است و دولت هم نمی خواهد بنایش را خراب کند و تغییر بدهد

رئیس - آقای رفعت الدوله موافقت ؟
رفعت الدوله - می خواهم توضیح بدهم که آقایان درست مستحضر شوند
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا اجازه

محمد هاشم میرزا - با اینکه بنده خودم اظهار کردم که در اساس موافق بودم و بعد پس از فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا مخالف شدم باز آقای حاج شیخ اسدالله سرزنش فرمودند در صورتی که ممکن است بنده در یک مسئله موافق باشم و بعد از یک توضیح و یا تحصیل اطلاع مخالف شوم و بنده در یک رأی

که داشته باشم هر کس حرفی بزند که صحیح باشد فوراً قبول می کنم و تصدیق می دارم و سرزنش را هم از کسی نمی پذیرم عرض می کنم قانون محاسبات عمومی در دوازده سال قبل نوشته شده مبنویسد کلیه معاملات دولتی باید بزیاده و مناصه گذاشته شود آقایان می گویند خانه در

بغداد منحصر است باین می خواهند این را بهانه قرار دهند در صورتی که نمی توان گفت در تمام بغداد یک خانه بیشتر برای ژنرال قونسول گری پیدا نمی شود و اینکه گفته شده که بغداد آباد شده و این سبب شده است که دیگر خانه پیدا نمی شود و این مطلب را نمی توان تصدیق بکنم آقای

حاج شیخ اسدالله فرمودند صاحب عمارت بنای خود را بزیاده گذاشته این فایده ندارد و بنده این را عرض نکردم عرض کردم که دولت باید اعلام کند که یک همچین عمارتی دم دجله یا هر کسی که میل اوست لازم دارد و هر کس این طور عمارت دارد اطلاع بدهد تا خریداری نماید آنوقت هر کدام که ارزانتر بود صرفه دولت آنرا بخرد و وارد شدن ما باین جزئیات جز اینکه یک یا دو جلسه خودمان را صرف اینکار بکنیم فایده ندارد دولت در هر نقطه که صلاح می دانند به موجب قانون محاسبات عمومی باید خریداری نماید البته آقایان در خاطر

شان نیست که علت وضع این قانون این بود که در دوره دوم سه جلسه را برای فروش جایارخانه سمنان و دامغان صرف کردیم که بچه شکل بفروشیم پس از آنکه دوهزار تومان وقت مجلس تلف شد آنوقت نود و شش تومان بیشتر مشتری برای آنجا پیدا نشد و این مطلب بود که ما را متذکر کرد و این ماده را در قانون محاسبات عمومی

گذازده نهادند نمی خواهم آن تجربیات گذشته را تکرار کنم و برخلاف عقیده سابقان در هر چیزی که می خواهم بخریم وقت مجلس و خودمان را تلف کنیم بنابراین عرض کردم معاملات دولت باید بمنافسه و مزایده باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرض میکنم در این سفر اخیریکه ما مشرف شدیم به تیات بقدری متأسف بودیم که چطور دولت ایران باین همه اتباع شیعه و باین عظمتی که در بین النهرین دارد و باین همه جمعیت و نفوذ سیاسی و روحانی و اقتصادی که دارد یک معنی برای ژنرال قونسولگری ندارد و قونسول در خانه اجاره می نشیند و همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله اظهار کردند بنده هم تحقیقات کرده ام آنجائی که فعلاً ژنرال قونسولگری است بعتیده بنده خیلی خوب محلی است و قیمتاً هم ارزانتر از همه جا است ما باید در مجلس ملاحظه بکنیم و آنچه را که برای دولت صرفه دار است در نظر بیاوریم و این محل از همه جا برای دولت ارزانتر تمام می شود

محمد هاشم میرزا - اینطور نیست

آقا سید یعقوب - بنده رفته ام و می دانم بنده عملاً عرض می کنم شما لایملم و مادری ولادری با اداری مطابقت نمی کند بنده رفته ام و دیده ام در آنجا تحقیق کردم تمام جاهای آنجا را تماشا کردم واقماً در همان وقت هم در این خیال بودیم و با هم مشورت می کردیم که ما این پول را بدهیم و این محل را بخریم و به همین جهت بنده عرض می کنم خیلی خوب است استقبال کنند این مسئله بگذرد که حیثیت و شرافت ما در بین النهرین محفوظ بماند و ژنرال قونسولگری دولت ایران در بغداد در خانه کرایه به نشیند و آن مقصد را هم که شاه -

زاده محمد هاشم میرزا فرمودند بزیاده و مناصه گذاشته شود حاصل است به جهت این که وقتی که یک قسمت آن رهن دولت ایران شد در مقام این معنائی که شما می فرمائید در آمده و بعتیده بنده این عمارت قیمتش خیلی ارزان و برای دولت از هر چه نافع است

رئیس - آقایان جلیل الملك و اقبال السلطان مخالفند بله ؟

جلیل الملك - خیر موافقم

رئیس - آقایان جلیل الملك و اقبال السلطان مخالفند بله ؟

جلیل الملك - خیر موافقم

رئیس - آقایان جلیل الملك و اقبال السلطان مخالفند بله ؟

آقا میرزا شهاب الدین - بنده در اصل موضوع موافقم ولی مثل مسئله فقط شمال نباید دست دولت را بست که نتواند محل دیگری را بخرد باید یک اعتباری به دولت بدهند که یک محلی برای ژنرال

قونسولگری خریداری نماید و هر عمارتی را که خوب است و مناسب دید خریداری نماید و الا اگر بخواهیم دولت را مجبور کنیم که یک عمارت مخصوصی را خریداری نماید آنوقت صاحبان عمارت چون می بینند این اعتبار برای این عمارت بخصوص داده شده یک نازهایی می کنند که گرانتر بفروشند و این مطلب هیچ لزومی ندارد

مخبر - بنده اینجا اشکالی نمی بینم که مجلس اعتبارش را تصویب کند ولی در اینجا دولت محل را تعیین کرده و یک اقداماتی بعمل آورده و یک سوابقی در بین بوده و پس از تحقیق پیشنهاد می کند که من اینجا را با اسم و رسم می خواهم بخرم وقتی بدون تعیین موضوع یک پیشنهاد می کند باو اعتراض می شود ما تعیین موضوع هم اعتراض میکنند که چرا تعیین موضوع کرده است و بالاخره معلوم نیست تکلیف دولت چیست ؟ دولت یک روبرو اتمام کرده و مخالف با قانون محاسبات هم نیست چون حافظه حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا خیلی زیاد است می خواهم از ایشان بپرسم خانه را به چه قسم بزیاده و مناصه می گذارند؟

منافسه و مزایده در هر ملک و هر زمین و هر خانه صورت خاصی پیدا می کند آیا تحقیقاتی را که دولت کرده و خانهای دیگری را که دیده و قیمت آنها را تحقیق کرده و حواصی خودش را باین خانه تطبیق کرده و دیده است آنجا با صرفه تر است این ها منافسه نیست حالا اگر شما می خواهید بفرمائید خیر مامور دولت نفهیده است آن موضوع علیحده است

محمد هاشم میرزا - چون تمسک بنده به قانون محاسبات عمومی است استدعا می کنم بفرمائید قرائت شود

رئیس - قانون محاسبات عمومی فعلاً حاضر نیست

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - رای می گیریم بماده واحد آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید می دهند و الا کبود خواهند داد

وزیر پست و تلگراف - صورت امانات مسروقه یستی

رئیس - رای می گیریم

وزیر پست و تلگراف - می خواستم عرض کنم که این صورت مسروقه امانات یستی

رئیس - پس از اخذ آراء بفرمایند

در این موقع اخذ آراء بعمل آمد آقایان منتصر الملك و امیر ناصر تعداد نموده نتیجه بقرار ذیل حاصل گردید

عده حاضر ۷۲ ورقه سفید علامت قبول ۵۴ ورقه کبود ۳ امتناع ۱۶

اسامی آقایان قبول کنندگان

موتن السلطنه • مخبر السلطنه • آقا سید محمد تقی طباطبائی • احتشام الدوله • میرزا ابراهیم خان ملک آرائی • منتصر الملك • اقبال السلطان • سهام السلطان • میرزا ابوالقاسم خان نبوضات • حاج میرزا عبدالوهاب محقق الملک • مستشار السلطنه • صدر الاسلام • آقا میرزا هاشم آشتیانی • امین الشریعه • لسان الملك • حاج شیخ اسدالله محلاتی • حاج میرزا تقی آقا طباطبائی • حاج ذبیح محمد حسن • آقا سید فاضل کاشانی • شاهزاده محمد ولی میرزا • ناظم دفتر • حاج نصیر السلطنه • آقا میرزا محمد نجات • قوام الدوله • امیر ناصر • آصف الملك • نهرت الدوله • آقا میرزا سید حسن کاشانی • بیان الملك • رکن الممالک • بهاء الملك سردار معظم کردستانی • نصیر دیربان • رفعت الدوله • بیان الدوله • جلیل الملك • فتح الدوله • عمید الملك • سالار معظم نصیرخان • آقا میرزا ابراهیم قلی • آقا میرزا محمد حسین صدرائی • آقا میرزا طاهر تنکابنی • آقا سید یعقوب • آقا سید محمد تعیین • حاج میرزا علی محمد دولت آبادی • شاهزاده سردار معظم • آقا میرزا های کازرونی • عدل السلطنه • هادی السلطنه • خراسانی • آقا سید حسن مدرس • حاج سید محمد باقر دستغیب

اسامی رد کنندگان

شاهزاده سلیمان میرزا • محمد هاشم میرزا • شیخ الاسلام اصفهانی

رئیس - رئیس کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات میتوانند توضیح بدهند کار کمیسیون بکار رسیده است

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - چون عده جلسات کمیسیون یکروز است و دهنده اعضاء هم ناقص است چند اصلی گذشته باید بقیه اعضاء انتخاب شوند تا کار را خاتمه

دهیم

رئیس - این قانون در برج قوس

کمیسیون مراجعه شده و البته خاطر آقایان مستحضرات که باید شش ماه قبل از انقضا دوره تقنینیه قانون انتخابات حاضر باشند تقریباً پنج ماه بیشتر وقت نداریم در این صورت اگر آقایان اعضاء کمیسیون هفته دو جلسه نداشته باشند بنده گمان نمی کنم این قانون برای آن موقع حاضر باشد بنابراین کسری اعضاء کمیسیون انتخاب شوند و لاقلاً هفته دو جلسه داشته باشند

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - اگر انشاء الله الرحمن اعضاء را انتخاب کنند همین هفته یک روز هم که دوشنبه باشد از چهار ساعت بظهر الی ظهر مشغول بشوند در ظرف چهار پنج جلسه حاضر میشوند بجهت این که آقای رئیس

ترتیبش را داده اند

رئیس - حرف در سر کسرا اعضا کمیسیون
ها است تا حالا چند جلسه

بنده اینجا اعلام کرده ام و هنوز موفق نشده ایم ولی تمنای کنم انشاء الله جلسه دیگر کمیسیونها را انتخاب فرمایند آقای آقا میرزا علی کازرونی هم از کمیسیون هریض و داخله استعفا نموده اند شعبه بجای ایشان در جلسه آتی يك نفر برای کمیسیون باید انتخاب کند و آقایانهم در نظر خواهند گرفت که يك نفر را بجای ایشان برای کمیسیون داخله انتخاب به فرمایند جلسه آینده روز پنجشنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شورای در قانون استخدام آقای وزیر پست و تلگراف

(اجازه)

وزیر پست و تلگراف - صورت امانات مسروقه پستی را که وعده کرده بودم تقدیم مجلس شورای ملی مینمایم حاضر است تقدیم می نمایم

رئیس - بنده تصور کردم می خواستید فرائض بفرمائید
وزیر پست و تلگراف - خیر می خواستم تقدیم کنم

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

مؤتمن الملك

جلسه ۱۱۵

صورت مشروح مجلس یوم ۵ شنبه بیست و دوم سرطان ۱۳۰۱ مطابق هفدهم ذیحجه سنه ۱۳۴۰

مجلس دو ساعت ونیم قبل از ظهر به ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بعد از مذاکره که بنده کردم راجع باینکه اگر قانون اساسی بکوقت پیشرفت نکرد ممکن است این مطلب هم که پیشنهاد شده پیشرفت نکند شاهزاده سلیمان میرزا از موقع استفاده فرمودند

به بنده تعرضاتی کردند و بنده بعد توضیح دادم که باینکه بنده باین قسمت کمال موافقت را دارم ولی در عین حال این مطلب را دعوت بانقلاب و سبب هیجان مردم و اسباب تضعیف دولت می دانم و با مصالح مملکت موافق نیست و این توضیح بنده فراموش شده خوب است نوشته شود

رئیس - یعنی می فرمائید هر چه اینجا گفته می شود باید در صورت مجلس نوشته شود ؟

محمد هاشم میرزا - چون مطلب مهمی بود باید ذکر شود
رئیس - بسیار خوب اضافه می شود

آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - همانطور که فرمودند اگر بنا باشد هر مذاکره اینجا می شود در صورت مجلس نوشته شود گمان می کنم

هر ایض بنده هم درخور این است که نوشته شود . زیرا سؤال حضرت والا جواب مرا هم لازم دارد . خیلی غریب است که هریض بنده دعوت بانقلاب است و فرمایشات آقایان که عین مطلب بنده است و آنها هم می گویند ندهند دعوت باصلاح است در هر حال بنده وحشتی ندارم صاف و ساده می گویم مردم برای حفظ حقوق خودشان باید انقلاب بکنند و اگر ایشان اشاره میفرمایند بنده هلنی میگویم که مردم باید برای حفظ حقوق خودشان انقلاب بکنند و تا انقلاب نکنند و قدرت نشان ندهند توسری می خورند این هریض بنده است و کتمان هم نمی کنم و صاف می گویم رئیس - هر دو نوشته می شود هم نطق حضرت والا و هم نطق شاهزاده محمد هاشم میرزا دیگر ایرادی نیست ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس باین دوقره اصلاح تصویب شد . آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در آن صحبتی که در روز گذشته بنده راجع بانقلاب فارس کردم سه صد قصبی نسبت به آقای کازرانی نداشتم و شاید در عبارت من سوء تفاهم شده البته خدمات آقای کازرانی و کسانی که به مملکت خدمت کرده اند شایان توجه و تقدیر است و ایشانرا تقدیس می کنم و شخص کاری هستند و مقام ایشانرا مغزه و پاک می دانم فقط چیزی که عرض کردم گفتم که در آن موقع ایشان در خود شهر شیراز نبودند که از وقایع مستحضر باشند

رئیس - رایورتی از کمیسیون فواید عامه و تجارت رسیده است برای استحضار خاطر آقایان قرائت می شود

(آقای منتصر الملك بشرح ذیل قرائت نمودند) بموجب ماده ۲۶ و ۲۷ نظامنامه داخلی و نظر بفرمایشاتی که از مقام منیع ریاست جلیله مجلس در جلسه ۱۹ جوزا ۱۳۰۱ ایراد شد کمیسیون فواید عامه لازم دید فهرست عملیات خود را در باب اویج و مطابع که در این مدت سه ماهه بکمیسیون ارجاع شده بعرض مجلس شورای ملی برساند از اول انتخاب این دوره که قریب سه ماه است هفت فقره لایحه و سه فقره عریضه به کمیسیون فواید عامه واصل شده که بشرح ذیل تکلیف هریک همین شده است

۱ - لایحه قالی های جوهری رایورت آن در تحت زمره ۷ بتاريخ ۱۷ نور بعرض مجلس رسیده است

۲ - لایحه قرارداد پستی منقده در مادرید رایورت آن در تحت زمره ۸ بتاريخ ۲۴ نور بعرض مجلس رسیده است

۳ - لایحه قرارداد پستی بین دولتین ایران و افغانستان چون لایحه مزبوره با مضای رئیس دولت وقت رسیده بود بوزارت مربوطه مراجعه شده که با مراعات جهات قانونی به

مجلس تقدیم شود

۴ - لایحه اعطای حق تقدم امتیاز و کاویل و ۰۰۰ بوزارتان خان طومانیا نس تبعه ایران - آقای وزیر فواید عامه رسماً لایحه مزبوره را مسترد داشتند

۷ - لایحه امتیاز شوسه نمودن راه (طهران - شهریار) آقای وزیر فواید عامه شخصاً ماخوذ ناپس از تجدید نظر بکمیسیون مراجعه دهند

(مطابق که بکمیسیون احاله شده)

۱ - عریضه اتحادیه تجار مرکز و ولایات راجع به جلوگیری از ورود اشیاء تزئینی (لوکس) در این باب پس از چندین جلسه مذاکرات و مطالعاتی که کمیسیون با حضور متخصصین و مطلعین این موضوع بعمل آورده لازم دانستند بدولت مراجعه شده تا نظریات قطعی دولت بدست آمده کمیسیون بتواند تصمیم قطعی خود را اتخاذ نماید و الی حال دولت نظریات خود را بکمیسیون اظهار و ارسال ننموده

۲ - عریضه اهالی نوشته در باب بستن سد شادروان (شایور) و تعبیریل آنجا از وما بوزارت فواید عامه مراجعه و منتظر است نظریات وزارت معزی الیها برسد

مجلس تقدیم شود

۶ - لایحه اعطای حق تقدم امتیاز و کاویل و ۰۰۰ بوزارتان خان طومانیا نس تبعه ایران - آقای وزیر فواید عامه رسماً لایحه مزبوره را مسترد داشتند

۷ - لایحه امتیاز شوسه نمودن راه (طهران - شهریار) آقای وزیر فواید عامه شخصاً ماخوذ ناپس از تجدید نظر بکمیسیون مراجعه دهند

(مطابق که بکمیسیون احاله شده)

۱ - عریضه اتحادیه تجار مرکز و ولایات راجع به جلوگیری از ورود اشیاء تزئینی (لوکس) در این باب پس از چندین جلسه مذاکرات و مطالعاتی که کمیسیون با حضور متخصصین و مطلعین این موضوع بعمل آورده لازم دانستند بدولت مراجعه شده تا نظریات قطعی دولت بدست آمده کمیسیون بتواند تصمیم قطعی خود را اتخاذ نماید و الی حال دولت نظریات خود را بکمیسیون اظهار و ارسال ننموده

۲ - عریضه اهالی نوشته در باب بستن سد شادروان (شایور) و تعبیریل آنجا از وما بوزارت فواید عامه مراجعه و منتظر است نظریات وزارت معزی الیها برسد

۳ - در خصوص اختلافات بین آقای حاج معین التجار بوشهری و آقای آقا سید محمد علی مصطفوی راجع بکشتی و موتور رانی رود کارون - پس از مراجعه بدوسیه این امر مراجعه بوزارت فواید لازم دیده و نظریات قطعی وزارت معزی الیها را خواسته پس از وصول نظریات وزاراتی نتیجه بعرض مجلس خواهد رسید

کمیسیون در این باب منتظر وصول نظر قطعی دولت است

چند فقره پیشنهاد از اشخاص و اهالی مرکز و ولایات در باب تعمیر و نگاهداری راههای شوسه و غیره بکمیسیون رسیده که کمیسیون اصولاً خود را وظیفه دار بر مراجعه و حل مستقیم آنها ندانسته بوزارتخانه های مربوطه و بصاحبان پیشنهادها نیز اخطار نموده که هریک بوزارت مربوطه مراجعه نمایند

در خاتمه خاطر آقایان محترم را مستحضر می سازد که عجالتاً هیچگونه لایحه و مطالب نامتام در کمیسیون فواید عامه موجود نیست

(مخبر کمیسیون - مستشار السلطنه) رئیس - چنانچه ملاحظه می فرمائید بعضی از قوانینی را که رسماً بمجلس تقدیم

شده از کمیسیون استرداد نموده اند رد صورتی که کمیسیون حق ندارد قوانین را رد نماید و همانطور که قوانین را رسماً در مجلس تقدیم می نمایند اگر هم بخواهند قانونی را مسترد نمایند باید در مجلس علنی و رسماً تقاضای استرداد آنرا نمایند و کمیسیون باید توسط هیئت رئیسه بهیئت دولت بنویسد که اگر می خواهند این قوانین را استرداد کنند باید در مجلس علنی تقاضای استرداد نمایند

آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) حاج شیخ اسدالله - يك قسمت از هریض بنده را آقای رئیس فرمودند و قسمت دیگر راجع به پیشنهادی است که از طرف آقایان تجار مرکز و ولایات بمجلس آمده و بکمیسیون مراجعه شده راجع بمنع ورود اشیاء تجملی ایران بنده معتقدم که این مطلب يك مطلب مهم اساسی و حیاتی است خصوصاً باین وضع تجارت حالیه ایران ولی ماسفانه در این رایورت که از طرف کمیسیون داده می شود آن نظر اهمیتی که باید نسبت باین قسمت بشود نشده است و وزارت تجارت مراجعه شده و از آنجا جواب صریحی نداده اند و بهمین لیت و لعل گذرانده اند و حالادر رایورت کمیسیون ذکر شده و هنوز تصمیم قطعی در این خصوص اتخاذ نشده این است که آقایان اعضای کمیسیون را باین نکته متوجه می سازم که این پیشنهاد از همه مطالب و پیشنهاداتی که بکمیسیون رفته که يك قسمتش تصویب شده و بیکه قسمتش تصویب نشده مهم تر و نافع تر است و کمیسیون فواید عامه باید باین قسمت خیلی اهمیت بدهد و بسامعه و اهمال که تا بحال بر گذار شده نباید بر گذار شود و باید زود تر نظریات دولت را بخواهند و اگر هیئت دولت هم نظریات خودش را نفرستاد عقیده بنده این است که کمیسیون بمتخصصین این امر رجوع کند پس از آن عقاید خود را به مجلس رایورت بدهد تا خود مجلس تصمیم قطعی اتخاذ کند این بود عقیده بنده

مستشار السلطنه (مخبر کمیسیون قوائد عامه) - همانطور که نماینده محترم اهمیت شایانی باین قضیه دارند کمیسیون فواید عامه هم همانطور بلکه باضاف مضاعف این قضیه را با اهمیت تلقی کرد و خواست يك اقدام اساسی بکند و يك نتیجه مطلوبه معقوله بدست بیاورد و بعد بمجلس رایورت بدهد و اگر مجلس شورای ملی هم همین طور که می فرمائید علاقه مند هستند که این قضیه حیاتی بطوری که شاید و باید حل شود البته اول قدم این است که دولت نظریات عمیقه خود را تقدیم و اظهار کند تا بطور اکمل نظریه تجار محترم تأمین بشود و کمیسیون هم برای استحضار خاطر آقایان با يك نظر پر اهمیتی باین مسئله حیاتی توجه

مجلس تقدیم شود

شده از کمیسیون استرداد نموده اند رد صورتی که کمیسیون حق ندارد قوانین را رد نماید و همانطور که قوانین را رسماً در مجلس تقدیم می نمایند اگر هم بخواهند قانونی را مسترد نمایند باید در مجلس علنی و رسماً تقاضای استرداد آنرا نمایند و کمیسیون باید توسط هیئت رئیسه بهیئت دولت بنویسد که اگر می خواهند این قوانین را استرداد کنند باید در مجلس علنی تقاضای استرداد نمایند

آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) حاج شیخ اسدالله - يك قسمت از هریض بنده را آقای رئیس فرمودند و قسمت دیگر راجع به پیشنهادی است که از طرف آقایان تجار مرکز و ولایات بمجلس آمده و بکمیسیون مراجعه شده راجع بمنع ورود اشیاء تجملی ایران بنده معتقدم که این مطلب يك مطلب مهم اساسی و حیاتی است خصوصاً باین وضع تجارت حالیه ایران ولی ماسفانه در این رایورت که از طرف کمیسیون داده می شود آن نظر اهمیتی که باید نسبت باین قسمت بشود نشده است و وزارت تجارت مراجعه شده و از آنجا جواب صریحی نداده اند و بهمین لیت و لعل گذرانده اند و حالادر رایورت کمیسیون ذکر شده و هنوز تصمیم قطعی در این خصوص اتخاذ نشده این است که آقایان اعضای کمیسیون را باین نکته متوجه می سازم که این پیشنهاد از همه مطالب و پیشنهاداتی که بکمیسیون رفته که يك قسمتش تصویب شده و بیکه قسمتش تصویب نشده مهم تر و نافع تر است و کمیسیون فواید عامه باید باین قسمت خیلی اهمیت بدهد و بسامعه و اهمال که تا بحال بر گذار شده نباید بر گذار شود و باید زود تر نظریات دولت را بخواهند و اگر هیئت دولت هم نظریات خودش را نفرستاد عقیده بنده این است که کمیسیون بمتخصصین این امر رجوع کند پس از آن عقاید خود را به مجلس رایورت بدهد تا خود مجلس تصمیم قطعی اتخاذ کند این بود عقیده بنده

مستشار السلطنه (مخبر کمیسیون قوائد عامه) - همانطور که نماینده محترم اهمیت شایانی باین قضیه دارند کمیسیون فواید عامه هم همانطور بلکه باضاف مضاعف این قضیه را با اهمیت تلقی کرد و خواست يك اقدام اساسی بکند و يك نتیجه مطلوبه معقوله بدست بیاورد و بعد بمجلس رایورت بدهد و اگر مجلس شورای ملی هم همین طور که می فرمائید علاقه مند هستند که این قضیه حیاتی بطوری که شاید و باید حل شود البته اول قدم این است که دولت نظریات عمیقه خود را تقدیم و اظهار کند تا بطور اکمل نظریه تجار محترم تأمین بشود و کمیسیون هم برای استحضار خاطر آقایان با يك نظر پر اهمیتی باین مسئله حیاتی توجه

مجلس تقدیم شود

۵ و ۶ - لایحه تعدید مدت توقف مأمورین پست و تلگراف با حضور آقای معاون وزارت معزی الیها مذاکرات لازم بعمل آمده چون نواقصی داشت خود معاون دریافت داشتند که نواقص آنرا رفع و ثانیاً تسلیم دارند

۶ - لایحه اعطای حق تقدم امتیاز و کاویل و ۰۰۰ بوزارتان خان طومانیا نس تبعه ایران - آقای وزیر فواید عامه رسماً لایحه مزبوره را مسترد داشتند

۷ - لایحه امتیاز شوسه نمودن راه (طهران - شهریار) آقای وزیر فواید عامه شخصاً ماخوذ ناپس از تجدید نظر بکمیسیون مراجعه دهند

(مطابق که بکمیسیون احاله شده)

۱ - عریضه اتحادیه تجار مرکز و ولایات راجع به جلوگیری از ورود اشیاء تزئینی (لوکس) در این باب پس از چندین جلسه مذاکرات و مطالعاتی که کمیسیون با حضور متخصصین و مطلعین این موضوع بعمل آورده لازم دانستند بدولت مراجعه شده تا نظریات قطعی دولت بدست آمده کمیسیون بتواند تصمیم قطعی خود را اتخاذ نماید و الی حال دولت نظریات خود را بکمیسیون اظهار و ارسال ننموده

۲ - عریضه اهالی نوشته در باب بستن سد شادروان (شایور) و تعبیریل آنجا از وما بوزارت فواید عامه مراجعه و منتظر است نظریات وزارت معزی الیها برسد

۳ - در خصوص اختلافات بین آقای حاج معین التجار بوشهری و آقای آقا سید محمد علی مصطفوی راجع بکشتی و موتور رانی رود کارون - پس از مراجعه بدوسیه این امر مراجعه بوزارت فواید لازم دیده و نظریات قطعی وزارت معزی الیها را خواسته پس از وصول نظریات وزاراتی نتیجه بعرض مجلس خواهد رسید

کمیسیون در این باب منتظر وصول نظر قطعی دولت است

چند فقره پیشنهاد از اشخاص و اهالی مرکز و ولایات در باب تعمیر و نگاهداری راههای شوسه و غیره بکمیسیون رسیده که کمیسیون اصولاً خود را وظیفه دار بر مراجعه و حل مستقیم آنها ندانسته بوزارتخانه های مربوطه و بصاحبان پیشنهادها نیز اخطار نموده که هریک بوزارت مربوطه مراجعه نمایند

در خاتمه خاطر آقایان محترم را مستحضر می سازد که عجالتاً هیچگونه لایحه و مطالب نامتام در کمیسیون فواید عامه موجود نیست

نموده و در چند جلسه از اشخاص مطلعی که در مجلس بودند از قبیل آقایان مشیرالدوله و نصرت الدوله و ارباب کیخسرو با اینکه عضو کمیسیون نبودند دعوت نموده و ایشان هم بکمیسیون تشریف آوردند و رئیس کمراک هم دعوت شد و با حضور آنها مذاکرات زیادی شد و بالاخره چنین صلاح دیدند که دولت ما آن اندازه که می تواند از ورود اشیاء زائمه جلو گیری بکند بکمیسیون پیشنهاد بکند تا کمیسیون بتواند یک اقدام اساسی که هم قابل اجرا باشد و هم مقصود آقایان تجار حاصل بشود کرده و تصمیم قطعی اتخاذ نموده و بمجلس شورای ملی راپورت دهد و گمان می کنم بر حسب تقاضای آقای حاج شیخ اسدالله و مراد کمیسیون این نظریات از طرف دولت هم بطور اکتل بکمیسیون خواهد رسید و دولت اکنون مشغول مطالعه در این خصوص است .

رئیس - بسیار خوب بدولت تا کید می شود نظریاتی که دارند بغوریت بفرستند خود کمیسیون هم باید مشغول مطالعات بشود و اشخاصی را که لازم می داند بکمیسیون بطلبد و هر چه زودتر راپورت این مسئله را بمجلس بدهد آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم - بنده در این باب مرضی ندارم نسبت بکمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات آن مطالبی که در جلسه سابق گفته شد بنده عرض کردم مقدمه انتخابات را وجود انجمن ایالتی می دانم بلکه در قانون جدید هم درج خواهد شد که انجمن ایالتی باید باشد لهذا باید بغوریت قانون انجمن های ایالتی و ولایتی از مجلس بگذرد که تا موقع انتخابات انجمن ها تشکیل شده باشد و هر چه زودتر در این باب باید فکری کرد

رئیس - آقای سردار مخفم راجع به راپورت کمیسیون تجارت است؟
سردار مخفم - بلی
رئیس - آن مطلب ختم شد آقای رئیس التجار

(اجازه)
رئیس التجار بنده هم راجع بر راپورت مرضی داشتم
رئیس آقای آقا سید فاضل
آقا سید فاضل بنده هم در خصوص راپورت می خواستم عرضی بکنم
رئیس آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا بنده راجع بانتخابات مرضی داشتم .
رئیس بفرمائید
محمد هاشم میرزا مربوط کردن قانون انتخاب بتشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی گمان می کنم اسباب این میشود که

امسال هم بگذرانند قانون انتخابات موفق نشویم و با این ترتیبی که کمیسیون انتخابات دارند و در هفته سه ساعت جلسه دارند گمان می کنم اسباب تأخیر امور انتخابات بشود و آن ترتیبی که مامیل داشتیم مجلس چهارم بمجلس پنجم متصل بشود و از ششماه اخیر شروع بانتخابات بکنیم بمعل نیاید و اگر این مسئله را مربوط بتشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی بکنیم بدر امسال نخواهد خورد اگر چه در قانون انتخابات سابق هم نوشته شده که چهار نفر از اعضاء انجمن ایالتی جزء هیئت نظار باشند ولی نوشته نشده است اگر نبود چه بکنند بنده هم بالزوم تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی موافقم ولی اگر این امر را موقوف بتشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی بکنند اسباب اشکال می شود و انتخابات شروع نخواهد شد و بنده تقاضا می کنم چون حالا موقع تجدید کمیسیون ها است خوب است آقایانی که نمی توانند در کمیسیون انتخابات مرتباً حاضر شوند استعفا بدهند مجبور هستند که حکماً در همه کمیسیونها عضو باشند ملاحظه بفرمائید در آن موقع که قانون انتخابات را می نوشتند با وجودیکه هفته چهار جلسه داشتند یازده ماه طول کشید و حالا هم شش ماه است در کمیسیون مانده و هنوز تکلیفش معلوم نشده است در صورتی که باید زودتر از مجلس بگذرد .

لذا استدعا می کنم هر کدام از آقایان محترم در سایر کمیسیونها عضویت دارند و نمی توانند در کمیسیون انتخابات حاضر بشوند استعفا بدهند و در این موقع کمیسیونها انتخاب می شوند برای کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات هم اعضاء معین شود که اقلاً هفته سه چهار جلسه داشته باشند بلکه این قانون زودتر بمجلس بیاید و مجلس چهارم بمجلس پنجم متصل شود

رئیس آقای ملک الشعراء (اجازه)
ملک الشعراء حضرت والا راجع به بکمیسیون فرمایشاتی فرمودند بنده در جواب ایشان عرض می کنم متأسفانه قریب چهار پنجاه است سه نفر از اعضاء کمیسیون استعفا نموده اند و باید بمجلس مقدس بجای آنها اعضاء دیگر انتخاب نمایند از آقایان خواهش می کنم سعی بفرمائید که این کسری اعضاء را انتخاب بفرمائید والا کمیسیون نمی تواند آنطوری که منتظر است کار کند و استدعای بنده این است هوش این مذاکرات و مشاجرات آقایان کسری اعضاء را انتخاب نمایند یا بکقدم وسیعی برداشته شود
تقریباً می توانم بگویم که قسمت اعظم

این قانون تمام شده است و اگر کسری اعضاء انتخاب شود کمیسیون در ظرف یک ماه می تواند راپورت خودش را بمجلس تقدیم کند
رئیس - بنا برقراری که یروز داده شد امروز کسری اعضاء کمیسیون ها انتخاب خواهد شد و گمان می کنم دیگر جای حرفی نسبت بقانون انتخابات باقی نباشد .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده قانون انتخابات را موکول بتشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی نکردم بلکه گفتم آن یک مقدمه است و باید تهیه شود و خود آن یک قانون مهمی است و باید تصویب شود تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی یکی از ارکان عهده مشروطه است و باید تشکیل بشود ام از اینکه قانون انتخابات بگذرد یا نگذرد

رئیس - قانون استخدام جزء دستور است از فصل دوم و ماده یازدهم مطرح است .
(ماده یازدهم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم - مراتب خدمت در ادارات کشوری بقرار ذیل است:
۱ - نباتی ۲ - منشی گری سوم ۳ - منشی گری دوم ۴ - منشی گری اول ۵ - مدیری شعبه ۶ - مدیری دائره ۷ - معاونت اداره ۸ - ریاست اداره ۹ - مدیر کل یا معاونت اداری .

تبصره وزارت و سفارت عادی و کبری و مقام والی ایالت و ریاست دیوان تمیز و مدعی العموم آن و ریاست شورای دولتی و ریاست دیوان محاسبات فوق مراتب مذکور در ماده یازدهم میباشد
رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده باین مراتب خدمت نه گانه که در ماده ۱۱ مفصلاً نوشته شده است کمال موافقت را دارم ولیکن یک نقص اساسی دارد و آن این است همان طوری که مراتب خدمت در قانون استخدام باید معلوم باشد مراتب حقوق هم باید معلوم شود

مثلاً مرتبه دوم چقدر تفاضل حقوق نسبت بمرتبه اول دارد و هکذا تا آخر این مراتب نه گانه پس از این مراتب خدمت دو رکن دارد یکی مرتبه بندی مقامات و یکی هم درجات حقوق که معلوم باشد ترتیب حقوق درجات دانی با درجات عالی چه خواهد بود والا این قانون ناقص است خوب است آقای مخبر توضیح بفرمائید که ترتیب آن چیست
مخبر - این ترتیب که فرمودید

خودش یک قضیه علیحده است و مربوط با اینجا نیست و در آن باب مشغول مذاکره هستیم و انشاء الله بهمین زودی تقدیم خواهد شد
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده هم با این درجات نه گانه موافقم ولیکن یک نقیصی در آن می بینم و آن اینست که هیچ اسمی از قضاة عدلیه در اینجا برده نشده است لذا بنده نمی دانم آنها جزء کدامیک از این مراتب هستند دیگر اینکه در اینجا نوشته شده است دیوان عالی تمیز و مدعی العموم و ریاست شورای دولتی و ریاست دیوان محاسبات فوق مراتب مذکور در ماده یازدهم میباشد و معلوم نیست در یک درجه هستند یا تقسیم بندی دیگری دارند این را از آقای مخبر سؤال می کنم که توضیح بفرمائید

مخبر - اما سؤال اولی هیچ مربوط باین مسئله نیست اما سؤال دوم هم که در اینجا نوشته شده است این مراتب فوق مراتب مزبوره است معنایش واضح است یعنی این درجات فوق این مراتب نه گانه هستند
رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی - عرض بنده راجع بتبصره است و همانطوری که سایر آقایان فرمودند اینجا نوشته شده است وزارت و سفارت عادی و کبری و مقام والی و ریاست دیوان تمیز و مدعی العمومی آن الی آخر اولاً اشاره نمی کند که این قانون شامل حال آنها هست یا خیر ؟ و اگر نیست هیچ متذکر نمی شود که برای این درجات که مراتبشان فوق مراتب مذکور در این قانون است یک قانون علیحده باید نوشته شود یا خیر؟ بنابراین اگر خارج از این قانون هستند باید ذکر کنند که مراتب مندرجه در ماده یازدهم خارج از این مراتب میباشد که اقلایک حالت منتظره موجود باشد که برای این اشخاص که مراتبشان فوق مراتب مذکور در ماده یازدهم است یک قانونی وضع خواهد شد
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده مخالفم .
رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده هم مخالفم .
رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - اشکال آقایان محترم در این ماده راجع بحقوق درجات مذکور در این ماده بود و چون این مسئله یکی از مسائل مهمی است کمیسیون در این باب مشغول

مذاکره است که نسبت حقوق مستخدمین را نسبت بیکدیگر بزودی بایک دقت کاملاً معین نمایند و بمجلس پیشنهاد کنند . یکی دیگر راجع بقضات عدلیه است لابد آقای مغیر در نظر دارند لایحه راجع بترتیب استخدام قضاة و مأمورین عدلیه پیشنهاد نمایند البته ترتیب قضات عدلیه با ترتیب ثبات و غیره فرق دارد و همانطور هم ترتیب استخدام معینین با سایرین فرق دارد و نمی شود قیاس کرد که معلم یا قاضی عدلیه فقط شش سال در مدرسه ابتدائی و سه سال در مدرسه متوسطه تحصیل کرده باشد و باین شرایطی که در این ماده نوشته شده است نمی توان قاضی و معلم استخدام کرد بنا بر این آنها شرایط مخصوصه و جداگانه دارند که در لایحه جداگانه پیشنهاد خواهد شد چنانچه یاد آوری کردم راجع باعضاء عدلیه بیک پیشنهادی شده نسبت ببقیه هم عنقریب پیشنهادی خواهد شد این قانون شامل درجاتی است که اسم برده شده اما آمدیم در مسئله تبصره که می فرمایند بیک عدله اشخاص را مستثنی کرده اند بیک یکی یکی می خوانم که آقایان ملاحظه فرمایند آیا غیر از استثناء هلاج دیگری ممکن است یا خیر ؟ آیا در مملکت مشروطه می توان گفت اگر کسی چهل سال خدمت کرد وزیر بشود . خیر هر وقت نصف بملاوه بکازو کلا بهر کس (خواه اتومبیل داشته باشد خواه پیاده راه برود) اظهار اعتماد کرد اورئیس الوزراء است و هر ساعت که اکثریت اظهار اعتمادش را از آن شخص بزرگوار طلب نمود و در وقت آبی خود را روی میز گذاشت آن شخص از وزارت معزول است پس بنا بر این هیچ قانون استخدامی ممکن نیست در باب وزارت تکلیفی معین کند و هیچیک از مقامات اداری شامل حال وزیر نخواهد شد همین طور سفارت کبری تعیین این شغل هم بینه بجهان امور است بیک وقت ممکن است بیک دولتی ترتیب سیاستش در یک مملکت کوچک طوری باشد که صدراعظم خود را برای سفارت بآنجا بفرستد برای اینکه بتواند سیاست خودش را در آنجا خوب پیش برود و این بیک چیزی نیست که با چند سال خدمت بشود با نفع تمام رسیده و اگر هم بالعرض بخواهد از برای آنها قانونی بنویسند مربوط بوزارت خارجه است . والی ایالت که استثناء شده است اگر چه امیدوارم انشاء الله ایالت از بین رود و ایران دیگر ایالت نداشته باشد تمام از شهرهای کوچک تشکیل شود اما مرکزیت بیشتر حفظ شود و این ملوک الطوائفی از بین برود و دیگر این حکام بزرگ و جابره خون مردم را بشیشه نکنند و چون والی هستند هیچوقت در هیچ محکمه هم مجازا نمی شوند و بطوریکه مذاکره شد وزارت داخله هم در نظر دارد که نقشه برای اینکار تهیه کند

ولی ناموقمی که آن که ترتیب برقرار نشده و این ترتیب امروزه برقرار است و می گویند والی از اشخاص بزرگ باشد ما هم نخواستیم والی جزء یکی از این مقامات باشد باین واسطه ما هم است آنرا نوشتیم والا اول روز سعادت مملکت آن روزی است که لغت والی از بین برود و دیگر گفته نشود .

زیرا این اشخاص غالباً کسانی هستند که ظلم و تعدی می کنند . حالا آمدیم بر مسئله ریاست دیوان تمیز وقتی که قضات عدلیه با قانون مخصوص معین می شود بدیهی است مدعی العموم و رئیس دیوان عالی تمیز هم مشمول قانون استخدام نبوده و مربوط بقانون مخصوص دیگری است همینطور ریاست شورای دولتی مشمول این قانون نخواهد بود .

زیرا رئیس شورای دولتی با اکثریت آراء معین خواهد شد و همینطور رئیس دیوان معاسبات بیک قانون مخصوص در دیوان معاسبات هست که ترتیب خاصی دارد که اگر درست دقت فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که نمی توان ترتیب اینها را در قانون استخدام معین کرد و فعلاً گفت هر کسی سی سال خدمت کرد رئیس دیوان عالی تمیز است یا کسی که بیست سال خدمت کرد رئیس دیوان معاسبات خواهد شد اینها بیک ترتیبات مخصوصی دارد که نمی توان آنها را جز این درجات قرارداد و مقام آنها فوق درجاتی است که در قانون استخدام ذکر شده رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - نظری که بنده در این قانون دارم عمده راجع باین ماده است که سابقاً در شور کلی اشاره کردم

حالا هم بطور تفصیل برای استحضار خاطر آقایان عرض می کنم ، قانون ممکن نیست برای یک قسمت از وزارتخانه ها نوشته شود . اگر باین مراتب نه گانه درست توجه کنید ملاحظه خواهید فرمود که این قانون از مرتبه ثباتی تا درجه معاونت تشکیل حوزه بیک وزارتخانه را بیشتر شامل نیست و شامل سایر طبقات مستخدمین دولت در سایر ادارات و وزارتخانه ها نخواهد بود . در صورتی که قانون استخدام باید شامل تمام افراد باشد یعنی تمام مستخدمین وزارت خانه ها در تحت این قانون باید تکلیفشان معین باشد و برای این که معنی و مقصود از لفظ استنباط شود باید لفظی که در این قانون نوشته می شود طوری جامع باشد که دلالت بر یک معنی خصوصی نکند و از روی این درجات نه گانه یادوازه گانه تمام درجات معین و معلوم شود مثلا وقتیکه ما ثبات را گفتیم باید تحصیلدار مالیه را هم که مرتبه و هم درجه با اوست شامل بشود و از وزارت خارجه و پس فونسل

وزارت خارجه را شامل شود و اگر فرضاً در وزارت فوائد عامه مباشرین داریم یا در سایر وزارتخانه های دیگر اعضای دیگری داریم که مرتبه آن ثبات است باید آن لفظ شامل تمام آن افراد بشود و لفظ معنی ثبات بخصوص از آن لفظ استفاده نشود بلکه چنانچه عرض کردم باید لفظی گذارد که ثبات و تحصیلدار و مباشر راه و بالاخره هر کسی که در این درجه واقع است در آن واحد همه را شامل باشد و همینطور لفظ (منشی) این لفظ معنی خاصی دارد و فقط بکسی تعلق می گیرد که چیزی را انشاء می کند .

در صورتیکه در سایر وزارتخانه ها هم درجه منشی هم هست که باید حقوق آنها هم در این مرتبه منظور شود پس اصلاً این عبارتی که برای مقامات و درجات معینی کرده اند صحیح نیست و این اصطلاحات بعقیده بنده باید تغییر پیدا کند و باین ترتیب نوشته شود که مثلاً دبیر سوم دبیر دوم . دبیر اول مدیر اول ، فرمانده سوم ، فرمانده دوم ، فرمانده اول ، پس وقتی که این مراتب نه گانه را اینطور معین کردیم و دبیر اول گفتیم هم شامل ثبات هم شامل تحصیلدار و بالاخره هر کسی که در این مرتبه است شامل خواهد بود این بیک قسمت از عراض بنده بود که نسبت بعبارت این ماده مخالفم ، بیک قسمت دیگر مخالفت بنده راجع بقضات است که آقای حاج میرزا مرتضی اشاره فرمودند و شاهزاده سلیمان میرزا هم جوابی اظهار داشتند بنده هم تصدیق می کنم که شرایط قضات و معلمین غیر از شرایط سایر مستخدمین است ولی این قانون باید حقوق مشترک آنها را اطلاق رعایت کند در صورتی که از حقوق تقاعدی و حقوق متوفی و سایر حقوق مشترک آنها اشاره نکرده است و قانون استخدام باید شرایط عمومی تمام مستخدمین را معین کند در وزارت خارجه یا عدلیه یا معارف اگر بیک شرایط خصوصی باشد مربوط باین قانون نیست و حقوق مشترک تمام آنها را باید قانون استخدام معین کند که معلم و قضات تمام تکلیفشان در این قانون معلوم باشد اما راجع بوزراء و سفراء و وزرای مختار همانطور که آقایان فرمودند بنده هم تصدیق دارم که تعیین وزراء بمجلس است و در این خصوص البته تمایل اکثریت مجلس مداخلت دارد و نمی توان او را در تحت ماده قانون ذکر کرده ولی سایر مأمورین دولت اینطور نیست در تبصره می گوید فلان و فلان فوق این مراتب هستند این عبارت را بنده نمی فهمم و باید از حالا معین کرد که مراتب آنها چه خواهد بود و دیگر این که بیک طبقه دیگر از مأمورین حکامند خوب والی را می خواهیم از بین ببریم در

صورتی که هنوز این مسئله مسلم نشده فرضاً که والی را از بین بردیم حکام که بجای خود باقی هستند پس درجات حکام هم باید معلوم باشد و درجات مسئولیت بحال خود باقی گذارد و حکام هم البته مراتبی دارند که بیک مرتبه مرتبه اول است که در واقع همان والی گری است و بعد مرتبه دوم و سوم و چهارم است مثلاً حکومت نائین و یائین تر از آن حکومت های قضات اینها را بطور کلی نمی توان گفت فوق این مراتب هستند درحالی که وقتی حکومت نائین را نگاه کنیم می بینیم مطابق منشی یا سررشته دار یا فرضاً مدیر دائره است پس بطور مطلق نمی توان گفت حکام فوق این مراتب هستند پس اینکه در تبصره می گوید اینها فوق این مراتبند اصلاً معنی ندارد و همه این مأمورین که باستثنای وزرا باید داخل این قانون کرد و برای هر کدام باید بیک مرتبه قائل شد و معین کرد که مثلاً فلان حکومت هم درجه با رئیس شعبة یا رئیس دائره است در هر حال باید نظر قیاسی در کار باشد و همینطور نسبت بوزراء مختار و نسبت به حکام درجه اول و دوم می توان بیک تشخیصاتی داد و بیک مراتب و درجاتی برای آنها قائل شد و نباید آنها را بکلی خارج از این قانون فرض کرد و باز بیک حقوق مشترکی بین آنها و سایر مستخدمین دولت از قبیل حقوق تقاعدی و مجازات و غیره هست که همه آنها را این قانون باید شامل شود و باید دانست که این قانون برای بیک قسمت از ادارات نوشته نمیشود بلکه برای کلیه مستخدمین دولت نوشته می شود در این صورت باید قانون استخدام تمام افراد و همه مستخدمین را شامل شود نه اینکه بیک قسمتی که مسکوت عنه بگذارد و بعقیده بنده این تبصره بکلی لغو است .

بیک قسمت دیگر که در آنروز عرض کردم و حالا هم اشاره می کنم مسئله روسای ایالات است و گویا برای آقایان سوء تفاهمی حاصل شده بود در صورتی که رؤسای ایالات در مملکت مادر واقع بمنزله حکامند گرچه بمنزله ایالتی و ایل بیگی معروفند ولی در حقیقت حکومت آن قسمتی که در تحت اختیار آنها است از طرف دولت بخود آنها واگذار می شود پس همانطور که برای حکام قانون لازم است برای رؤسای ایالات هم تقریباً در همان ردیفند قانونی لازم است که شامل آنها شده و تکلیفشان معلوم باشد .

رئیس - آقای مستشار السلطنه مخالفید ؟
مستشار السلطنه - بلی مخالفم
رئیس - آقای دست غیبی چه طور ؟
دست غیبی - بنده هم مخالفم
مخبر - بنده در جواب آقای دولت آبا می عرض می کنم مراتبی که برای

مستخدمین در قانون استخدام قرار داده شده است مراتبی است که بترتیب خدمت ارتقاء رتبه پیدا می کند و مثل فرانس و پیشخدمت اینها دارای کار برداری و ترقیات هستند یا فرضاً تحصیلدار آنهم مثل آدم اجیر است و حقوق او علیحده و خارج از این موضوع است و تکلیف او در قانون دیگری مبین خواهد شد و برای حکامهم در این جا چیزی ذکر نشده و در این تبصره فقط ایالت را ذکر کرده و فوق این مراتب نه گانه قرار داده است ولی حکام را فوق درجات مندرجه در قانون استخدام قرار نداده است و بطوری ممکن است حکام را باینکه از درجات تطبیق کرد ولی اساساً باید دانست که والی ایالت و قضات بهیچوجه داخل در این موضوع نیستند و ترقی آنها هم باین ترتیب نیست ترقیات آنها بترتیب دیگر دارد منتهی اگر بخواهید برای آنها هم حقوق تقاعدی منظور شود باید قانون مخصوصی که برای آنها نوشته می شود در آن قانون شرایط قید کرد که با آن شرایط حقوق تقاعدی که در باره آنها هم منظور شود همین طور معلوم که او هم باین درجات ترقی ندارد و برای آنها هم بایستی قانون جدا گانه وضع شود که دارای حقوق تقاعدی باشند یا باشند چنانچه بنده تصمیم گرفته ام قانون جدا گانه بی جهت آنها پیشنهاد نمایم

بهر جهت این قانون شامل حال قاضی و معلم نمی شود البته نمی توان معتقد شد که معلم پس از آنکه دو سال یا سه سال خدمت کرد ترفیع رتبه پیدا نماید ولی راجع باینکه از تمامی اعضاء ادارات اسم برده نشده

مثلاً از سرمفتش و مفتش اول و مفتش دوم و امثال این ها صحیح است در صورت ظاهر از آنها اسمی برده نشده ولی آنها را باید مطابقه کرد با سایر اعضاء

مثلاً سرمفتش را با معاون اداره و منفعتش اول را با مدیر دائره و هم چنین سایر اعضاء که در این جا اسم آنها برده نشده است باینکه از این درجات تطبیق می شود

بعلاوه اسامی هم هیچ فرق نمی کند چه رئیس اداره نوشته شود چه مدیر اداره چه منشی نوشته شود چه دبیر معنایه یکی است و بعقد بنده بهتر این است که درجات با اسم اداره دائره شعبه ذکر شود چنانچه در این قانون هم نوشته شده و گمان می کنم هیچ نفعی هم نداشته باشد

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - اینکه آقای مخبر از اعتراض آقای دولت آبادی که اظهار داشتند چرا اسم حکام ذکر نشده است

دفاع فرمودند نمی دانم حکام را در تحت چه عنوان باید تلقی کرد آقای سلیمان میرزا در کمیسیون تشریف دارند و با اینکه مکرر اظهار نموده اند با ایالت و والی مخالف هستند و باید لفظ ایالت و والی از بین رفته و بجای آن حکومت ذکر شود مهندس هیچ اسمی از حکومت برده نشده و معلوم نیست این قانون شامل حال حکامهم هست یا نه قانون باید طوری صریح نوشته شود که عموم مردم بفهمند

اگر بنا باشد قانونی که نوشته می شود مفسر لازم داشته باشد آن قانون اسباب زحمت می شود

این جادر تبصره می نویسد:

وزارت و سفارت هادی و کبری و مقام والی ایالت و ریاست دیوان تمیز و مدهی - العموم آن و ریاست شورای دولتی و ریاست دیوان محاسبات فوق مراتب مذکور در ماده یازدهم می باشد

در این جا که اینها را مستثنی کرده هیچ ذکر نشده است که قانون دیگری شامل حال آنها خواهد شد یا خیر؟

بعلاوه از روساء ایالات و غیره هم در این جا ذکر نشده است بیک قسمت از فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا هم اعتراض دارم و آن این است که ایشان بکرات فرمودند (ملوک الطوائفی) بنده خیلی تعجب می کنم یک نفر و کپل یک نفر دموکرات و آزادی خواه چرا باید چنین حرفی را بزنند؟

در صورتی که شیر خورشید دولت در تمامیت ایران حکومت می کند چه طور می توان گفت ملوک الطوائفی بنده بهیچوجه مقتضی نمی دانم این قبیل الفاظ ذکر شود و اگر این تشنجهای جزئی که در ایران هست با تشنجهای عظیمی که در تمامی دنیا حکم فرماست مقایسه فرمایند خواهند دید که ایران از همه جا امین تر است و استقلال ایران کاملاً محفوظ و مصون می باشد و بنده هیچ عقیده ندارم در این جا لفظ ملوک الطوائفی ذکر شود

رئیس - آقای محق العلماء مخالفند

محق العلماء - بله بنده هم مخالفم

رئیس - آقای اقبال السلطان چه طور

اقبال السلطان - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای رکن الملک

رکن الملک - مخالفم

رئیس - آقای کازرانی موافقید یا مخالف؟

آقا میرزا علی کازرانی - مخالفم

رئیس - آقای مدرس چه طور؟

مدرس - بنده موافقم ولی یک اشکالی دارم

رئیس - بفرمائید

مدرس - بنده حرف می زنم برای اینکه مخالفین زیاد هستند و آقای مخبر هم حقیقتاً خوب دفاع فرمودند

قانون استخدام کشوری یک درجاتی که می نویسد که بعقد بنده شامل حال تمام اقسام مأمورین کشوری می شود معنی رتبه این نیست که اسامی تمام اقسام مأمورین دولت در قانون نوشته شود که مثلاً بگوئیم تحصیل داری یا طباطبائی یا امیر آخور باشی چرا اسامیشان در اینجا ذکر نشده؟ این را بنده نباید بگویم آقایانی که اهلکار ادارات هستند باید بفرمایند ذکر این تکلمات لازم نیست؛ مثلاً در نظام یک نفر که درجه سرتیپی دارد و مشغول خدمت است باینکه نفر که در خانه خودش خوابیده و درجه سرتیپی دارد و حقوق سرتیپی می گیرد و هیچ خدمت هم نمی کند مساوی است قانونهم که وضع شد شامل حال هر دو آنها میشود و همانطور که آقای مخبر فرمودند تحصیلدار و مفتش را مثلاً باید مطابق با رئیس اداره یاد آوره کرد و بهمان طریق قانون درباره آنها هم مجری می شود پس درجاتی که در قانون ذکر میشود وزارتخانهها مکلفند درجات مستخدمین را با درجات مذکور در قانون تطبیق نمایند و گمان می کنم این اشکالات وارد نباشد بلی اگر کسی پیشنهاد کند درجه کم است و باید در درجه معین شود آن امر است علیحده ولی آن اشکالاتی که فرمودند وارد نیست و اینکه عرض کردم اشکالی دارم آن اشکالی را که دارم این است که در این تبصره اشخاصی را نوشته فوق مراتب مذکور در این ماده هستند یعنی در عرض و طول درجات این قانون نیستند یعنی یک چیزهای علیحده لازم است که شخص سفیر یا وزیر بشود سفیر شدن و وزیر شدن به طی کردن درجات نیست این صحیح است ولی فقط عرضی که بنده دارم راجع بر رئیس و مدهی العموم دیوان تمیز است که باید تمام درجات را طی نماید تا بدهی العمومی یا ریاست تمیز برسند بنابراین اسم آنها از تبصره باید حذف شود

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - نه تنها آقای مخبر در مقابل اعتراضات آقایان مخالفین درست دفاع فرمودند شاهزاده سلیمان میرزا هم درست دفاع فرمودند بلکه آقای مدرس هم بخوبی دفاع فرمودند آقای مخبر را آقای مدرس هم تصدیق فرمودند که درست دفاع نکردند ولی شاهزاده سلیمان میرزا علاوه بر اینکه درست دفاع فرمودند تقویت در اشکال هم فرمودند زیرا مثال زدند که رئیس الوزراه و وزرائی که بر حسب رای اعتماد اکثریت مجلس انتخاب می شوند این قانون شامل حال آنها نیست در صورتی که قانون باید

شامل حال عموم مستخدمین دولت بشود والا قانون ناقص است و این فرمایشاتی که فرمودند تمام تقویت اشکال بود نه رفع اشکال اما جزء اخیری که فرمودند ایالت حوزه و جزء جزء بشود و ولایت یا کوچکتر از ولایت هم بشود بنده هم این عقیده را دارم برای این که مرکزیت بیشتر محفوظ می شود و ظلم کمتر می شود البته یک حکام ایالتی که چندین ولایت در منطقه نفوذ او باشد ظلم او بیشتر است اما این موضوع را بنده با قانون استخدام مربوط نمی دانم و آنرا در جای خودش عرض می کنم اما این که آقای مستشار السلطنه فرمودند اظهار می شود ملوک الطوائفی یک قدری مطلب بایشان مشتبه شده است - استغفر الله ملوک الطوائفی نیست غرض از فرمایش حضرت والا و عرض بنده این است که این ترتیب شاید داخل بطرف ملوک الطوائفی سیر کند باز هم عرض می کنم استغفر الله ابداً ملوک الطوائفی نیست ولی هر قدر حکومتها کوچک نشود اصول مرکزیت مصون تر و محکمتر و ظلم هم کمتر می شود و با این حال تعجب می کنم از حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا که می فرمایند ایالات را خورد کرده و جزء جزء کنند معنای اسم حکام را ننوشته اند مثلاً حکومت بنادر معلوم می شود جزء مستخدمین دولت نیست و همچنین آقای مخبر در جواب سؤال آقای حاج میرزا مرتضی راجع بقضات عدلیه فرمودند آنها یک قانون مخصوص دارند آیا داشتن قانون مخصوص او را از مستخدمین دولت خارج میکند؟

خیر پس این قانون بنوعی اشکال شامل حال تمام اعضاء عدلیه خواهد شد نهایت یک خصوصیتی در قضات عدلیه موجود است و این سبب نمی شود آنها را از عنوان استخدام دولت خارج نمود

پس باید قانون استخدام شامل تمام مستخدمین بشود یعنی هم شامل قضات و حکام ولایات و هم شامل ثبات و منشی و غیره بشود

اما اینکه آقای مدرس فرمودند لازم نیست اسامی تمام مستخدمین ذکر بشود مثلاً تحصیلدار را وزیر باید با مدیر اداره تطبیق کند یا با یکی از این درجات نه گانه اینطور نیست و بر حسب میل وزیر یا رئیس اداره نمیشود کار کرد بلکه رئیس اداره میل کند بکنند رئیس دائره را باینکه نفر منشی اول یا منشی دوم تطبیق کند یا وزیر میل کرد تحصیل دار را با معاون اداری منطبق کند در حالتیکه لیاقت هم نداشته باشد پس به عقیده بنده باید این تبصره اصلاح شود

مخبر - گمان می کنم اغلب آقایان اشتباه می فرمایند حکام که از طرف وزارت داخله بیک نقطه می رود بکنند رئیس است که از طرف وزارت داخله در آن نقطه

است چنانچه رئیس مالبه از طرف وزارت مالبه رئیس است و باید امور مالبه آن نقطه را اداره کند حکومت هم از طرف وزارت اخلا رئیس است و باید کارهایی که مربوط وزارت داخله است اداره کند پس این قانون شامل حال او هم میشود ولی اینکه می فرمایند چرا اینهایی که در تبصره اسامی آنها ذکر شده این قانون شامل حال آنها نیست ؟

و باید این قانون شامل حال آنها هم شود مثلا قاضی یا معلم پس ازدو یا سه سال خدمت ترقی نماید یا فلان مستخدم چند سال خدمت کند تا سفیر شود یا رئیس دیوان نیز خیر اینطور نیست و ترتیب استخدام آنها ترانمیشود اینجا نوشت مثل اینکه مستخدمین نظام هم يك قانون علیحده دارند ولی اگر بخواهیم میشود يك ماده در قانون مخصوص آنها نوشته شود که مطابق قانون استخدام کشوری حقوق قاعدهی خواهند گرفت .

همچنین قانون استخدام معلمین را در اینجا نمیتوان داخل کرد برای اینکه ترتیبی که اینجا ذکر شده است برای مستخدمین ادارات کشوری است و نمیشود گفت معلم دوسال که خدمت کرد رئیس اداره یا رئیس شعبه بشود ولی ممکن است زحمت حقوق با مستخدمین کشوری مساوی افتد ولی سایر شرایطش را نمیشود در اینجا نوشت تأمل بفرمائید و این مراتب را هم دیگر معلوم نکنید .

رئیس - چون همه کافی نیست چند نوبه تعطیل می شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)

مؤتمن الملك

جلسه صد و شانزدهم
صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه
تاریخ پنجم سرطان ۱۳۰۱ مطابق بیستم
ی قمره الحرام ۱۳۴۰

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست
آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید
صورت مجلس یوم پنجشنبه بیست و
هم سرطان را آقای امیر ناصر قرائت
نمودند

رئیس گویا نسبت بصورت جلسه مخالفی
نداشتند

(اظهار مخالفی نشد)
رئیس - چون مخالفی نیست صورت جلسه
بر طبق دستور قانون استخدام است
جلسه گذشته راجع بماده یازدهم
تذکرات شد ولی باتمام نرسید کسی -
ساز می خواهد ؟

آقاسید یعقوب - بنده اجازه نمی
خواهم

رئیس - موافقتی با مخالف ؟

آقاسید یعقوب - مخالفم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

چطور ؟
حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم بدم
از يك مخالف
رئیس - آقای آقاسید یعقوب
(اجازه)

آقاسید یعقوب - اولاً مطابق بیاناتی
که آن روز آقای سلیمان میرزا فرمودند
چنین معلوم شد که اعضای عدلیه و معارف
از این قانون خارج هستند بواسطه اینکه فرمودند
آنها يك درجاتی دارند و مطابق آن درجات
ترقی یا تنزل خواهند کرد خلاصه چنین
فرمودند که شرایط آنها منوط بقانون -
دیگری است حال در صورتیکه اعضاء عدلیه
خارج از این قانون باشند دیگر استثناء
کردن رئیس و مدعی العموم دیوان تمیز معنایی
ندارد زیرا وقتی متشاه شامل حال آنها نباشد
آنوقت استثناء فلط است

ثانیاً مملکت دو درجه مستخدم دارد
یکی مامورین کشوری است و یکی لشکری
و این قانون استخدام که ما نوشته ایم جهت
مامورین کشوری است چه عدلیه چه داخله
چه خارجه و مامورین لشکری در حدود
این قانون خارج هستند و بنده می خواهم
بحضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا که
مداخله حقیقی کمیسیون هستند و همچنین
آقای مغیر عرض کنم که يك قانونی باید
نوشت که جامع بوده و شامل تمام باشد ولی
این قانون شامل تمام افراد نیست یعنی قبول
خودشان اعضاء عدلیه و معارف از این قانون
مستثنی هستند پس مستخدمین عدلیه و معارف
را در چه قانونی داخل خواهند کرد؟ بنابر
این باید يك قانونی نوشت که شامل تمام
بود و اگر می فرمایند خبر چون عدلیه
جنبه روحانیت و قضاوت دارد و معارف هم
جنبه علم دارد باید مستثنی باشد پس ذکر
کردن و استثناء کردن مدعی العموم در
تبصره این قانون غلط است و رئیس دیوان
تمیز بیشتر فلط است پس بعقیده بنده باین
استثناء غلط است یا این قانون جامع
نیست

آقاسید ابراهیم زنجانی - مغیر -
کمیسیون - بنده گمان می کردم این ماده
ارضی مواد است و جای هیچ شبهه نیست
ولی حالا معلوم می شود ما که باید يك
توضیحات زیادی داد حالا عرض می کنم
مستخدمین چهار قسمند و این
چهار قسم را نمی شود باهم مخلوط
کرد ترتیب استخدام و ترقی و تنزل هر يك
از آنها با یکدیگر است بکسومت معلمین
هستند که آنها را نمی شود با مامورین -
کشوری در یکدرجه قرارداد و طرز ترتیب
آنها فرق دارد و نمی شود قانونی وضع
کرد که شامل تمام بشود مثلاً اگر يك
معلم دوسال در اطاق درسی داده نمی شود
ترقی بکند و برود با طاق دوم بدهد این فلط
است و معقول نیست

قسمت دیگر قضات هستند که در این
قانون خارجه و ترتیب استخدام و سایر
ترتیبات دیگر آنها با سایر مامورین کشوری
فرق دارد ولی اینکه آقا فرمودند باید -
مدعی العموم و رئیس دیوان تمیز از این قانون

خارج بشود صحیح است بایهان حق می
دهم و باید از تبصره خارج بشود قسمت سوم
مامورین لشکری و نظامی ها هستند که ترتیب
آنها هم بکلی با طرز استخدام مامورین
کشوری دارد بطرز دیگری دارد که اول
باید تامین باشد بمدنیان و سربازان و سرتیپ
و چه وجه و ما این قانون را برای مستخدمین
کشوری مینویسیم و علت این ترتیب این است
که مجلس قوانین را وضع می کند و يك
دولتی را برای اجرا کردن آن قوانین
انتخاب می کند و اگر ممکن بود تمام این
قوانین را يك نفر ایجاد بکند و بکسی دو
نفر اجرا بکند دیگر مجلس لازم نبود و
این همه وزارتخانه ها و شعب مختلفه برای
چه بود ؟

شعب کارها مختلف است برای هر
شعبه يك وزیر انتخاب میکنند و در هر
مملکت موجب احتیاج عمده وزراء را کم
و زیاد می کند و این شعبات هم از یکدیگر
مجزا است مثلاً کار وزارت فوائد
عامه یا وزارت خارجه خیلی منافات دارد
داخله با عدلیه همین طور لهذا وزرائی
انتخاب می شوند و شروع با اجرای قانون
می نمایند شخص واحد هم که نمی تواند
يك قانون را هم در مرکز و هم در ولایات
يك مملکت اجرا نماید لابد ادارات متعدده
محتاج می شود و این ادارات هم در مرکز
و ولایات منشی خواهد معاون می خواهد
رئیس اداره می خواهد و تعداد آنها هم بر حسب
احتیاج وزارتخانه است که آیا فلان اداره
يك منشی می خواهد یا چند نفر ثبات می
خواهد این است که در ماده دوازدهم نوشته
ایم کلیه وزارت خانه ها بحسب احتیاجات
باید تشکیلات خودشان را بدهند گاهی
احتیاج اقتضا می کند که در مرکز يك
اداره کل باشد و در ولایات شعب داشته
باشد مثل اداره مالیات مستقیم و اداره
حکومتی و غیره ممکن است اداره کل در
مرکز کارش زیاد باشد و نتواند بکارش
برسد يك دایره هم تشکیل می دهد اگر
کافی نبود شعبه هم تشکیل می دهد و هر
يك از اینها مدیر می خواهند ثبات می
خواهند منشی می خواهند پس علیهذا
مستخدمین از این در جاتی که معین شده
خارج نیستند ولی لازم نیست در هر وزارت
خانه تمام اینها باشد خیر هر وزارتخانه
يك طور است يك وزارتخانه می شود يك
اداره داشته باشد و يك معاون يك وزارت
خانه ممکن است چندین اداره داشته باشد
حالا خواهند گفت پس مدیر کل چه چیز
است ممکن است يك وزارت خانه چندین
اداره داشته باشد آنوقت یک نفر لازم است
بتمام آنها ریاست بکند و واسطه میان وزیر
و روسای ادارات باشد و وزیر کمک
بدهد این است که يك مدیر کلی هم ذکر
شده است اگر حاجت دارد معین کند

حاجت ندارد معین نمی کند دهنوا ندارد
همین طور معاون مختصر هر چه بخواهد
بمستخدمین خودش می افزاید مطابق درجاتی
که همین قانون معین کرده اضافه میکند
حالا اگر يك مستخدمی خواست که اسم
او را در این درجات ذکر کنند از قبیل
مهندس آن را هم در ماده دیگر ذکر
کرده ایم موقتاً استخدام می کنند یعنی
در حقیقت اجیر است و داخل در جزو مستخدمین
رسمی هیئت و مستخدمین جزه هم خدمت
می کنند مثل فراش و پیشخدمت و سرایدار
ولی آنها هم جزو مستخدمین رسمی نیستند
مثلاً نمی شود گفت پیشخدمت دوسال کار
بکند ثبات شود بعد منشی اینطور نیست
اگر چه آنها هم مابین خودشان درجاتی
دارند که يك ترقی داشته باشد مثلاً فراش
فراشباشی بشود ولی بالاتر نمی شود و برای
این قبیل مستخدمین هم يك ماده جداگانه
نوشته شود حالا اگر آقایان نه درجه را
کافی نمی دانند بگویند درجه یا یازده
درجه و يك اسمی هم برایش پیدا بکنند
و بادلایل ثابت کنند

که لازم است والا این ترتیب صحیحی
است و غیر از این نمی شود و معلمین و
قصه هم مشمول این قانون نیستند ولی من
می دانم آقایان چرا این حرف را می
زنند شاید خیال می کنند که ممکن است
حقوق تقاعدی در باره قضاة و معلمین
منظور نشود بنده می گویم خیر در باره
تمام منظور می شود و ممکن است يك ماده
پیشنهاد بفرمایند که در باره کلیه مستخدمین
از معلم و قاضی و غیره و حقوق تقاعدی
منظور می شود ولی این قانون را نمیشود
برای این مسئله بهم زد

رئیس آقای اقبال السلطان مخالف
هستید ؟

اقبال السلطان - بلی
رئیس بفرمایند
اقبال السلطان این قانون با يك
استثناء و عدم احتیاج با اجرا و مستخدمین
نوشته شده و يك ماده از اشخاصی را که
امروزه داخل کار

هستند و می توانند خدمت کنند خارج میکنم
حالا اگر در آن موضوع بخواهیم بحث
کنیم شاید خارج از موضوع باشد در
این ماده يك تقسیم بنده شده یعنی نه درجه
معین نموده اند و الا این چهار مرتبه اولی را
وقتی بمعنی حقیقی خودش ملاحظه کنیم
یکی از اینها زیادی است بجهت آنکه
مطابق ترتیب ادارات منشی اول اشخاصی
هستند که نوشتهجات هدیده را مینویسند
کنند منشی دوم آنها می هستند که نوشتهجات
اداری را مینویسند می کنند و منشی سوم
آنها می هستند که آنرا يك نویس می کنند
و گویا مقصود از ثباتی که اینجا نوشته شده
آنها می هستند که آنرا می نویسند در صورتی
که منشی سوم می تواند این کار را بکند و

دیگر محتاج ثبات نیستند و همین سه درجه منشی اول و دوم سوم کافی است بعد از این سه درجه مدیر شعبه و مدیر اداره بعد معاونت اداره معین شده در صورتی که گمان میکنم وقتی شخص مدیر دایره شد دیگر لازم نباشد مدتی هم معاون اداره باشد و دیگر اینکه در این قانون برای هر یک از این مراتب به سال خدمت معین میکنند باین معنی که بعد از هر چه سال می تواند مدیر کل بشود و حال آنکه آن اشخاص که بارویا می روند و تحصیل می کنند و زحمت ها می کشند تا دیلمه می شوند وقتی به ملک خودشان بیایند و بخواهند خدمت بکنند گمان می کنم باین ترتیب بتوانند خدمت بکنند یعنی کسی که چندین سال زحمت کشیده تا تحصیلش تمام شود آنوقت نمی تواند هشت سال معطل شود تا منشی اول یا مدیر شعبه بشود ۱۱۱ و به علاوه ترفی مطابق این قانون بر روی دو چیز است یکی لیاقت یکی داشتن محل در مرتبه بامر فوق و اگر محل باشد بکنفر مستخدم ممکن است در عرض یک سال تمام این نه درجه را که این جا نوشته اند طی بکنند و بالعکس ممکن است تا ده سال هم محل برای او پیدا نشود پس ترفی اجزاء منوط باین است که دارای لیاقت باشد و برای آنها هم یک مقامی خالی باشد نه اینکه بدون مقام بآنها ترفیع رتبه بدهند مثلا ثبات دو سال ثبات کرد و یا بنده شش سال در ثباتی می ماند باز جای پیدایمی شود آنوقت مقام منشی سومی را باومی دهند تا وقتی که جا برای او پیدا بشود باز محل خالی پیدا نمی شود یک وقت تلفت میشوند که در اداره پنجاه نفر منشی سوم دارند و حال آنکه شغلشان ثباتی است آنوقت ترتیب کار اداریشان در هم و بر هم میشود و دیگر اینکه بطوری که عرض کردم اشخاص زحمت کشیده باین ترتیب وظی این مراتب نمی توانند داخل در خدمت بشوند بنابراین بنده برای این ماده یک پیشنهادی کرده ام که اگر کمیسیون قبول کنند بدینست

پیشنهاد بنده این است که بعوض ماده یازده نوشته شود تعیین مشاغل ابتدائی اعضا جدیدالورود در خدمت و ارتقاء رتبه آنان با رعایت هفت گانه ذیل بعهد هیئت متعنه است که در وزارت خانه از رؤسای ادارات و شخص وزیر یا نماینده مخصوص آن تشکیل میشود

- ۱) نویسنده کی دوم
- ۲) نویسنده کی دوم
- ۳) نویسنده کی اول
- ۴) مدیری شعبه ۵ مدیریت دایره
- ۶) ریاست اداره
- ۷) مدیر کل

مطابق این پیشنهاد ثبات دیگر لازم نیست و کار او را منشی سوم می کند و راجع به معاونت اداره هم وقتی که مدیر اداره بود

دیگر معاون لازم نیست همان مدیری اداره شامل آن مقام نیست و لازم نیست دو سال هم معاون بشود این است پیشنهاد بنده

مخبر - ایرادات ایشان راجع به ترفیع رتبه است مربوط باین ماده نیست و در جای دیگر که ترتیب ترفیع رتبه نوشته شده باید پیشنهاد بفرمایند و اینکه می فرمایند هفت درجه باشد و نه درجه لازم نیست آن را هم باید با دلایل ثابت بکنند که هفت درجه کافی است

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - عریض

بنده را آقای آقا سید یعقوب فرمودند و آقای مخبر یک جوابی در مقابل ایراد ایشان فرمودند که هم بنده هم ایشان قانع شویم آقای مخبر فرمودند مستخدمین چهار درجه اند کشوری لشکری قضات معلمین و بعد یک شرح مفصلی از ترتیب ادارات فرمودند این فرمایشات جواب اشکال بنده و آقای آقا سید یعقوب نمیشود مقصود بنده و آقای آقا سید یعقوب این بود که قضاة عدلیه هم جزو مستخدمین رسمی دولت هستند و باید در اینجا یک زمینه و اشلی برای آنها معین شود تا تمام مستخدمین دولت در قانون استخدام مشارکت داشته باشند که اگر بعد تقاعد رسیدند بآنها هم حقوق تقاعدی بدهند و اگر چنانچه یکی از آنها فوت کرد همان رعایت هائی که در باره مستخدمین دیگر می شود درباره آنها هم بشود و لاین که یک امتیازات دیگری دارند که باید در قانون مخصوص عدلیه ذکر شود معینا در اساس استخدام تمام باید مشارکت داشته باشند و راجع بتبصره هم که می نویسد (وزارت وسفارت هادی و کبری و مقام والی ایالت و ریاست دیوان تمیز و مدعی العموم آن و ریاست شورای دولتی و ریاست دیوان معاسبات فوق مراتب مذکوره در ماده یازدهم می باشد) این جمله (فوق مراتب مذکوره) معلوم نمی کند که آیا با هم برابر هستند یا درجات آنها هم متفاوت است؟ خوب است آقای مخبر یک توضیحات کافی بدهند و در صورتی هم که این قانون شامل حال قضات نباشد رئیس و مدعی العموم و دیوان تمیز را داخل این تبصره کردن صحیح نیست و باید حذف شود

رئیس - آقای حاج شیخ اعدالله

حاج شیخ اعدالله - فرمایشات

آقای اقبال السلطان راجع باین ماده بنده این است که جواب ایشان را نمیدهم چون ایشان اشکال کردند کسی که در اروپا تحصیلاتی کرده است و باینجا آمده بطور می تواند این درجات را طی بکند؟ البته تصدیق می فرمایند که این فرمایشات مربوط باین ماده نیست و در مواد دیگری ذکر شده که وقتی وارد خدمت می شوند بچه کیفیت

باید داخل خدمت بودند و وقتی داخل شدند ممکن است بواسطه دادن امتحان مقام عالی وی را اشکال کنند آنها مواد دیگری دارد و بعد صحبت خواهد شد باین معنی باید در این درجاتی که برای قانون استخدام معین شود صحبت کرد و در این زمینه باید داخل شد راجع با اعتراضاتی که شد آنچه بنده در این جلسه گوش میدهم همه اشکالات آقایان این است که می فرمایند این ماده جامع نیست و شامل تمام مستخدمین نمیشود آقای دولت آبادی فرمودند که اسم مباشر برده نشده و آقای آقا سید یعقوب می فرمایند چرا اسم قاضی و مدعی العموم در تبصره برده شده و هم چنین اعتراض آقای حاج میرزا مرتضی خلاصه اعتراض معترضین این است که این درجه بندی صحیح نیست و لاین خوبست باین نکته توجه بفرمایند که درجات و مواد قانون استخدام برای عموم نوشته میشود بدون هیچ ترفی وقتی درجات را معین کردند آنوقت هر وزارتخانه موظف است که در وزارت خانه خودش یک نظامنامه مرتب کند و مستخدمین را که در وزارت خانه هستند یا هر یک از این درجات مطابق کند مشبه تحصیلات را یا منشی سوم یا غیر ذلک این خیلی صاف و روشن است حالا آقایان اشکال می کنند که چرا اسم قضاة برده نشده و قطع نظر از اینکه مقام قضاة مقامی است که بقانون استخدام ربطی ندارد و یک قانون مخصوصی می خواهد لکن آن هم اشکالی ندارد و ممکن است در نظامنامه داخلی عدلیه را با درجات قانون استخدام تطبیق کند و مثلا بگوید رئیس استیفاف یا مدیر کل هم درجه است یا رئیس ابتدائی یا رئیس دایره خلاصه بعد از آنکه این مطلب معلوم شد و درجات مستخدمین تطبیق با درجات این قانون شد تمام اشکالات رفع می شود فقط مختصر اشکالی نسبت بر رئیس تمیز باقی می ماند آنهم چون رئیس تمیز یک مقام بالاتری دارد و با وزیر هم درجه است و بر همه برتری دارد و مدعی العموم تمیز هم با وزیر هم درجه است فوق این تشکیلات هستند از این دو سر مقام که تشکیلات و درجه بندی تمام مستخدمین معین میشود البته اولین درجه در وزارت خانه ثباتی است و بعد منشی سوم و منشی دوم و منشی اول و مدیر شعبه و مدیر دایره و مدیر اداره و مدیر کل آنوقت هر وزارتخانه همانطور که عرض کردم مستخدمین خود را باین قانون تطبیق می کند و مطابق فرمایش مباشر و تحصیلدار را هم که در دروازه مشغول وصول مالیات است درجه اش معین میشود و وزارتخانه مطابق این قانون مکلف است معین کند که فلان تحصیلدار فرضاً مطابق با ثباتی یا منشی گری است و اینکه معلوم میشود تمام حقوقش هم معین

می شود و تمام اشکالات بر طرف می شود و اما راجع بفرمایش و پیشنهادت که می فرمایند چرا ذکر نشده عرض می کنم که آنها خارج از مستخدمین رسمی هستند و رسمیت استخدام رسمی ندارند و در واقع اجیر هستند و وزارت خانه آنها را اجیر کرده و یک مزدی میدهد و آنها که بجهت وزارتخانه کار می کنند نمی توانند بگویند ما مستخدم رسمی هستیم زیرا استخدام ادارای باید از روی امتحان و درجات فضلی باشد و اگر یک نفر دارای این فضایل باشد پیشنهاد نمی کند می رود منشی گری می کند و درجه عالی تری را طی می نماید پس باین عریض بعقیده بنده این صاف و روشن است و هیچ موردی ندارد که در اطراف آن گفتگو شود حالا اگر آقایان می فرمایند درجاتش زیاد است پیشنهاد کنند یک درجه دو درجه کاسته شود و اگر می فرمایند کم است پیشنهاد فرمایند کم است و باید یک درجه در درجه اضافه شود

لیکن این اعتراض که می فرمایند نسبت باینکه این ماده جامع نیست این اشکال وارد نیست زیرا درجات در هر وزارتخانه بموجب نظامنامه آن وزارتخانه باین درجه خواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی است یا خیر؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسید قرائت میشود

(آقای منتصر الملک پیشنهادات مزبور را بضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم بعوض ماده یازده نوشته شود تعیین مشاغل ابتدائی اعضا جدیدالورود در خدمت و ارتقاء رتبه آنان با رعایت مراتب هفت گانه ذیل بعهد هیئت متعنه است که در وزارتخانه از رؤسای ادارات و شخص وزیر یا نماینده مخصوص آن تشکیل می شود اول نویسنده کی سوم

دوم نویسنده کی دوم سوم نویسنده کی اول چهارم مدیری شعبه پنجم مدیری دایره ششم ریاست اداره هفتم مدیر کل اقبال السلطان

مقام محترم ریاست دارالشورای ملی بنده پیشنهاد می کنم جمله و ریاست دیوان تمیز و مدعی العموم آن از تبصره حذف شود

چون اصل ماده (۱۱) شامل قوه قضائیه نیست که محتاج ریاست دیوان تمیز را خارج نمود

یعقوب الموسوی

بنده پیشنهاد می کنم این ماده (۱۱) با این مذاکرات تمام نمیشود خوب است بکمیسیون بر گردد ماده جامع و قائم نوشته شود

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

عبد الوهاب الوضوی

بنده پیشنهاد می کنم این ماده (۱۱) بر گردد بکمیسیون و تکمیل شود بر گردد
 رئیس - پیشنهادات بکمیسیون ارجاع بشود ماده دوازدهم
 (شرح ذیل فرائت شد)

ماده دوازدهم - هر يك از وزارتخانه ها در حدود احتیاجات اداری و رعایت صرفه تشکیلات مشاغل خود را در نظامنامه های داخلی با مراتب مذکوره در ماده یازدهم تطبیق می نماید ولی وجوه هر يك از مراتب مذکوره در وزارتخانه ها منوط بلزوم آن خواهد بود.

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

کازرانی - در این ماده می نویسد هر يك از وزارتخانه ها در حدود احتیاجات اداری و رعایت صرفه تشکیلات مشاغل خود را در نظامنامه های داخلی با مراتب مذکوره در ماده یازدهم تطبیق می نماید + بنده نتوانستم درست درك کنم که آیا حکام ولایات را که جزء وزارت داخله هستند مقام آنها را هم با این درجات تطبیق می نماید یا خیر؟ و بفرض اینکه مقام آنها را بدیری تعبیر کند حقوق مدیری به آنها می دهند یا فرضاً کار گذار را که با سمت منشی اول تطبیق می شود همان حقوق منشی گری باو داده می شود یا اینکه از روی نظریات خودشان معین می کنند؟ ملام واجب يك نفر حکام ماهی هفتصد تومان است و موجب يك نفر مدیر فرضاً ماهی دویست تومان به علاوه از روی چه میزانی درجات را تعبیر می کنند آیا يك میزانی دارد یا از روی نظریات شخصی است این حقی را که آنها می دهیم که آنها درجات را تطبیق کنند چرا خودمان متصدی تطبیق آن نمی شویم و اگر حکومت را باید بدیر کل و کار گذار را بمنزله رئیس اداره باید منظور نمود و چرا ما خودمان این کار را نکنیم بنده نمی فهمم این قانون شامل حکام هم هست یا خیر باید قانون علیحده برای آنها نوشته بشود علاوه ماده یازدهم که عبارت از این است که هیچکس نمی تواند از مرتبه مادون بر مرتبه مافوق برسد مگر این که مدت معینی در مرتبه سابق خدمت کرده باشد شامل حکام و کار گذاران هم خواهد بود یا خیر؟ و آنها هم مراحل اولیه را طی می کنند یعنی از ثباتی بمنشی گری سوم و دوم و بعد بمقام حکومت می رسند یا خیر؟ بنابراین خواهشمندم آقای مخبر توضیح بدهند تا ملتفت شوم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد هم مخالفند؟
 حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بله

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - این مسئله را که آقای کازرانی فرمودند ملتفت نمی شوم خوب است دقت بفرمایند شاید عرایض بنده ایشان را قانع کند آن مقصودی را که ما در قانون استخدام داریم همان است حکام جناب عالی فرمودید یعنی چرا باید حکام ولایات ماهی هفتصد و پنجاه تومان حقوق از مالیه این مملکت می گیرند در صورتی که این موجب مقابل زحمت داده میشود معلوم نیست بکنفر رئیس تلگرافخانه یا رئیس عدایه باندازه آنها - زحمت نکشه بلکه بیشتر هم زحمت می کشد پس بطور استکه يك نفر رئیس معارف در اکثر جاها باید بی حقوق باشد ولی حاکم در اول جائی هم که حکومت داشته باشد چون اسمش حاکم است چهارصد تومان یا نصد تومان حقوق بگیرد؟

پس بعد از آنکه قانون استخدام پیش آمد و مراتب مأمورین معین شد اگر يك رئیس معارف در يك ولایتی مقامش با حاکم مساوی باشد البته باید همان حقوق را بگیرد و باید حقوق اشخاص که بی جهت زیاد است یعنی هم مردم را اذیت می کنند و هم ۷۵۰ تومان یا ۱۰۰۰ تومان جایزه می گیرند باید از جایزه آنها کسر شود و در مقابل آن بیچاره هایی که طرف توجه نیستند مثل روسای معارف و روسای سایر ادارات از خدمت آنها قدر شناسی کنند و متساوی حقوق بدهند و مراتب را همانطور که آقایان در نظر دارند باید وزارتخانه معین کنند و بهمین جهت روز اولی که این قانون مطرح شد از آقایان وزراء و همچنین از افراد و اهالی و کلیه چرایید در خواست کردیم نظریات خودشانرا بنویسند که يك قانونی کاملی از مجلس بگذرد و اگر کمیسیون تصور میکرد این قانون بطوری که پیشنهاد شده نقص ندارد این تقاضا را میکرد بلکه بالعکس کمیسیون می داند که این قانون خیلی نقص دارد و بهمین جهت از همه مردم وزراء استمداد نموده که با نظریات همه این قانون تکمیل شود این راهم عرض کنم که این ماده ۵۹ تمام وظائف اعضا ادارات را معین نکرد و اگر بخواهند تمام وظائف مستخدمین را معین کنند چهار پنج برابر بشود این قانون مقدمتاً تکلیف این سه مرتبه را معین کرده و وزارتخانه باید خودشان وقتی در این قانون نکرده این نه درجه را تطبیق با درجات اداری خود بنمایند مثلاً مقام حاکم قزوین بمقام منشی اول تطبیق شود امین مالیه و رئیس عدایه را معین کنند که با کدام یکی از این درجات نه گانه مقامشان یکی است معلوم است وقتی مقام حاکم فارس بارئیس عدایه فارس یکی شد حقوقش هم حتماً باید مساوی باشد دلیل ندارد وقتی رتبه رئیس عدایه یا رئیس مالیه یا حاکم که از آثار

قدیمه است مقابل باشد آنها کمتر ببرند و او چندین مقابل علاوه حقوق ببرد و اینکه کمیسیون این قانون را با اینکه تصدیق دارد خیلی ناقص است اینطور پیشنهاد می کنند برای این است که این قانون مهم ترین قانونی است که کمک بمعال فقر او ضعیفای وزارتخانه ها می کند و تعدی و اجحاف در وزارتخانه ها کم می شود و يك تبدیل در حقوق اعضا ادارات خواهد شد و اعضا ادارات را مطمئن میکنند که در خدماتی که میمانند يك ترفیع رتبه برای آنها خواهد بود و در موقع تقاعد حقوقی خواهند گرفت و اینکه می فرمایند اجزاء جزء را چرا در این مواد مستثنی کرده اند یا داخل نکرده اند نظر بر رعایت حال آنها بود زیرا اگر مطابق این مواد بآنها حقون تقاعد بدهند خیلی کم می شود و بآنها ظلم شد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - گمان می کنم کمیسیون خواسته است در این ماده زحمت خودش را کم بکند و تطبیق این مراتب نه گانه را با درجات اداری بعهده وزارتخانه ها واگذار نموده در صورتی که این مطلب وظیفه کمیسیون است و باید تمام درجاتی را که در وزارتخانه ها معمول است باید بخواهند طبقه بندی بکنند و اینکه بنده سابق بر این هم عرض کردم که بانه درجه موافق نیست برای این است که تنها وزارت عدلیه دوازده درجه دارد بعضی وزارتخانه های دیگر ولو اینکه درجه بندی صحیحی ندارد ولی بر حسب تقسیم می شود آنها را بده درجه قسمت بندی کرد و کمیسیون باید این درجات را از وزارتخانه ها بخواهد و خودش تطبیق و معین بکند که فلان شغل در درجه اول است و فلان شغل در درجه دوم است این است که بنده عرض می کنم اینکار حق وزارتخانه ها نیست و باید کمیسیون این صورتها را بخواهند در آنها دقت کرده پس از اینکه درجه بندی صحیحی تهیه کرد بمجلس بیاورد

معاون وزارت داخله - در خصوص قانون استخدام مخصوصاً کمیسیون در وزارت داخله تشکیل شد و از وزارتخانه ها هم نماینده خواسته شد که حتی المقدور نظریات اداره عمومی در آن باشد درجات و طبقات مأمورین وزارتخانه ها نمی شود از روی ترتیبی که فعلاً معمول است معین کرد باید يك اصولی را اتخاذ کرد که وزارتخانه ها درجات اداری خودشان را با آن اصول تطبیق نمایند ولی اگر بخواهیم شغل را در نظر بگیریم این مسئله امکان ندارد زیرا اگر شغل در نظر گرفته شود باید بصورت دویست سیصد شکل نوشته شود برای اینکه هر وزارتخانه مشاغلی دارد که با شغل

وزارتخانه های دیگر مختلف است حتی بعضی مشاغل است که با اینکه شغل معین است در وزارتخانه ها کیفیت مختلفی دارد این نظر را داشت ولی اصولی که در قانون استخدام معین شده يك حد و میزانی است که برای سیر عموم اجزاء از طبقه پائین تا مقام بالا معین شده و این طبقات را بیش از نه طبقه نمی شود گرفت زیرا اجزاء باید در هر طبقه دو سال بمانند و مدت کار هر يك نفر مستخدم نمیشود از بیست سال بیشتر باشد بنا بر این اگر درجات را بیشتر از نه الی ده درجه معین شده بود ولی بهمین مناسبت که نزدیک با حال متوسط باشد يك رتبه از آن کم شود این درجاتی که اینجا ذکر شده مثلاً منشی گری نباید تعریف شغلش را کرد باید منشی گری را رتبه اداری دانست و هر وزارتخانه باید کارهای اداری خود را با این رتبه ها تطبیق و معین نماید و لازم هم نیست در مجلس این مطلب مطرح شود فقط مجلس شورای ملی اصول این مراتب را تصویب می نماید و بعد از آن رجوع میشود بخود وزارتخانه ها هر وزارتخانه مشاغل خودشان را با این اصول تطبیق میکند و هر طور مقتضی است کار خودشان را ترتیب میدهند

مثلاً در قانون استخدام می نویسد شروط ورود بخدمت مسابقه است حالا اگر بخواهیم جزئیات مسابقه را در این قانون ذکر کنیم ممکن نیست برای اینکه ترتیب مسابقه در هر وزارتخانه باید یکطور ذکر شود چون شرایط خدمت در وزارت داخله طور دیگری است و در وزارت خارجه طور دیگر بنا بر این نمی شود داخل در جزئیات شد و فقط قانون استخدام باید اصول اولیه را معین کند و هر وزارتخانه آن اصول را به موجب نظامنامه مخصوص با کیفیات و حوائج اداری خود تطبیق کند بنا بر این هر چه تفسیرات در این قانون داده شود زحمت و اختلاف نظر زیادتر می شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - بنده عرض میکنم قانون باید معین معنی باشد در اینجا بنویسد (ولی وجود مراتب مذکوره در وزارتخانه ها منوط بلزوم آن خواهد بود) بنده بنده این عبارت زائد است و همان عبارت اول ماده که می نویسد (هر يك از وزارتخانه ها در حدود احتیاجات اداری و رعایت صرفه تشکیلات مشاغل خود را در نظامنامه های داخلی با مراتب مذکوره در ماده ۱۱ تطبیق می نماید) از برای مهمترین مطلب کافی است بنابراین بنده پیشنهاد می کنم عبارت ثانی حذف شود
 مخبر - اگر همان عبارت اول باقی باشد و این عبارت ثانی حذف شود ممکن است يك از وزارتخانه ها دائره لزوم نداشته باشد یا اینکه يك وزارتخانه ها هم لازم نداشته

باشد و فقط از این درجات هیچ درجه را لازم نداشته باشند این است که در اینجا باید می شود که وجود هر یک از این مراتب در وزارتخانه ها منوط بزرگ آن است آنهم با دلایل والا می شود گفت همه وزارتخانه ها این مراتب را داشته باشند

رئیس - مذاکرات کافی است ماده سیزدهم قرائت می شود

(شرح آتی قرائت شد)

ماده سیزدهم - نصب روسای ادارات و مدیران کل و هم رتبه های آنها با رعایت شرایط مقرر بتصویب وزیر و بموجب فرمان همایونی است و نصب متصدیان سایر مقامات با رعایت شرایط مقرر بر حسب پیشنهاد رئیس قانون و حکم وزارت می خواهد بود

رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده فرمان همایونی را در اینجا زائد می دانم رئیس - بنا بود هر وقت اظهار می کنند

دلایل را هم بفرمائید آقا سید یعقوب - اگر جواب مقام ریاست برایشان کافی نیست رجوع بقانون اساسی بکنند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اینکه مینویسد (نصب روسای ادارات و مدیران کل و هم رتبه های آنها با رعایت شرایط مقرر بتصویب وزیر است والا در اینجا معلوم نیست شرایط مقرر چه چیز است تا بنا بر بنده نظرم این است که تعیین مدیران و روسای شعب و تنها بتصویب وزیر و رئیس مافوق صلاح نیست باید تعیین مدیران و روسای کدوایر از روی یک مشاوره اداری و جلسه اداری با توافق نظر یکمده باشد و اختیار تعیین مدیر بدست وزیر نباشد و همچنین اختیار انتخاب روسای دوائر بدست دوائر نباشد و اگر اینطور باشد بنده معاش برای آن نمی بینم و آنوقت روسای ادارات همیشه یک اشخاصی را معین می کنند که موافق میل آنها عمل کنند و باین فلسفه بنده مخالفم و باید همانطور که انفصال اعضاء از روی یک معاکه هست نصب اعضاء هم باید از روی یک مشاوره باشد و اگر بخواهم این ماده را اینطور بکنم که وزیر هر کس را بمیل و اراده خودش نصب کند

روسا و مدیران هم اجزاء جزء را بمیل خودشان معین کنند آنوقت تمام تشکیلات در روی یک نظریات خصوصی دور می زند و بنده باین اصل مخالفم و از آقایان اعضاء کمسیون استعلامی کنم ذکر می در این باب بکنند و نظری اتخاذ بفرمائید که نظریات شخصی از بین برود

مخبر - از فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله تعجب می کنم این ماده را بخواهند

واضح است مقصود از شرایط مقرر رعایت احتیاج وزارت خانه است و مدت خدمت است مسابقه و استخدام مستخدم است و همه این شرایطی است که ذکر شده باید رعایت شود این است که در اینجا نوشته شده (بموجب شرایط مقرر) بمیل اشخاص نیست که هر کس را بخواهند معین کنند

حاج شیخ اسدالله - اگر در نفر در مسابقه مساوی باشند کدام یکی را معین خواهد کرد

مخبر - ماده ذیل را بخواهید رعایت احتیاج وزارتخانه و طرز خدمت و استخدام مستخدم همه اینها باید رعایت شود

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - ماده چهاردهم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهاردهم - تعیین معاون وزیر و رئیس کابینه وزارتی با اختیار وزیر است طی مراتب در مورد آنها ضروری نیست هر گاه از میان مستخدمین دولتی انتخاب شوند مدت تصدی آنها جزو ایام خدمت محسوب می شوند والا این تصدی سابقه خدمت اداری برای آنها نخواهد بود

رئیس - آقای دستغیب حاج سید محمد باقر دستغیب - قبل از

اینکه شروع به برایش خود بکنم از آقای مخبر سؤال میکنم که علت اینکه معاون وزیر و رئیس کابینه را از این قانون مستثنی کرده و اختیار معین آنها بوزیر وا گذاشته اند چیست؟ جواب سؤال را بفرمائید تا بعد برایش خود را عرض کنم

رئیس - دیگر بفرماید نمی توانید صحبت کنید

حاج سید محمد باقر دستغیب - در اجازه دوم عرض خواهم کرد

مخبر - معائن باید هم مسلک و محل اعتماد وزیر باشد و نمی توان یک وزیر را مجبور کرد که یک معاون را که با او هم مسلک نیست برای معاونت اختیار کند و همچنین رئیس کابینه مرجع اسرار است تمام کاغذها و تلگرافها بدست رئیس کابینه میرسد برای اینکه اغلب نوشتهجات را بدون رسید باو می دهند باید محل اعتماد او باشد و در همه جا این استثناء بود اینجهام باید

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده عرض میکنم انتخاب رئیس کابینه و معاون البته برای انجام کارهای اداری است و برای

کارهای شخصی وزیر نیست که این دلیلی را که آقای مخبر فرمودند شامل حال آن

باشد

اگر برای خدمت دولت است البته آن معاون یا رئیس کابینه هم مطابق قانونی که وضع شد باید مدارج قانونی را طی کرده و بان مقام برسد و ربطی بکارهای شخصی وزیر ندارد که انتخاب آنها را به وزیر واگذار کنیم

مثل سایر اجزاء که مطابق مقررات قانون معین بشوند و بنده هیچ امتیاز مخصوصی بین این دونفر و سایر مستخدمین نمی بینم که وزیر این دونفر را مطابق میل خودش و سایرین را مطابق قانون معین کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفید؟

آقا سید یعقوب - بلی رئیس - آقای محقق الملماء؟

محقق الملماء - بنده هم مخالفم رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

حاج شیخ اسدالله - موافقم رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - باینکه باماده ذیل مخالف بودم که وزیر حق ندارد روسای ادارات را معین کند و باید بمشاوره اداری معین شوند باین ماده موافقم و عقیده دارم که معاون و رئیس کابینه باید با نظریات وزیر معین شوند چون اینها دو بال وزیر هستند و باید اشخاصی باشند که کاملاً محل اعتماد وزیر باشند

حالا مثل میزنیم کارهایی که بوزارتخانهها میرسد بهر یکی از دوائر وزارتخانهها که رسید از او رسید می گیرند تا میرسد به کابینه هم رسید می گیرند ولی وقتی بدست رئیس کابینه رسید او کاغذها را معاون یا وزیر می دهد رسید نمی گیرد و همین طور برعکس وزیر هم که کاغذها را بر رئیس کابینه یا معاون می دهد رسید نمی گیرد این است که آنها باید محل اطمینان وزیر باشند که اسنادی که پیش آنهاست فردا مدهی نشوند که این سند را نماید

اولا اینها یک چیزهایی است که در موقع عمل اتفاق می افتد پس بمعینه بنده باید معاون و رئیس کابینه از اشخاصی انتخاب شوند که محل اطمینان شخص خود وزیر باشند اما کارهای اداری مربوط بوزیر نیست و شخص رئیس اداره شخصاً مشغول است باید یک شخص مانتقل آزادی باشد در تحت نفوذ وزیر نباشد و وزیر او را معین نکند این است که بنده در ماده قبل کراجم بتعیین روسای ادارات بود مخالف بودم و نسبت بر رئیس کابینه و معاون موافقم که باید حتماً با اختیار خود وزیر باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - فرمایشاتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده را هیچ قانع نکرد و بر این بنده مکرر گفته ایم که ما میخواهیم

کارهای شخصی که وزارت خانه را ملک طلق وزیر قرار ندهیم یعنی نگوییم این وزارت خانه ده ششادانک وزیر است وزارتخانهها را نباید ملک طلق شخص وزیر قرارداد معاون محل اعتماد وزیر باشد چه معنی دارد؟ معاون باید محل اعتماد کار باشد معاون هم باید همان درجاتی را که در قانون استخدام ذکر شده سیر نمود و بمقام معاونت برسد معلم مستخدم ملت است نه مستخدم وزیر مستخدم اداره است نه مستخدم شخصی اگر شخصی آن مقامات اداری را طی کرد و بمقام معاونت رسید معاون است خواه محل اطمینان وزیر باشد خواه نباشد مناط کار است نه شخصی در تمام وزارتخانهها اعمال وزیر بدست معاون و رئیس کابینه است ما می خواهیم کارها تر نیات اداری پیدا نماید نه تر نیات شخصی این است که بنده با کمال که با داده شده کارها داریم میل دارم ابداً اسمی از این ماده برده نشود اگر چه بنده معتمد که نباید دست وزیر بکلی بسته شود اما با این مسئله مخالفم که هر موقعی یک وزیر تشریف آوردند یک معاون و رئیس کابینه جدید همراه خود بیاورند این دو نفر هم مستخدم اداره هستند بجه نظر بایستی استخدام معاون و رئیس کابینه بنظر وزیر باشد؟ استخدام باید منوط به نظر قانون باشد

وزیر مالیه - خاطر آقایان را مستحض می دارم که در موقع انتخاب وزیر یا معاون و یا رئیس کابینه مطلب مربوط بامداداری نیست بلکه نظریات سیاسی در آن ذی دخل است همان طور که انتخاب وزراء مربوط باداری نیست و فقط از نقطه نظر سیاسی بر حسب رأی و اعتماد اکثریت مجلس شورای ملی انتخاب می شود معاون هم که باید مدافع نظریات سیاسی شخص وزیر باشد از همین نقطه نظر باید انتخاب شود اهم از اینکه اداری داشته باشند یا نداشته باشند همین طور رئیس کابینه که باید اسرار سیاسی وزارتخانه در نزد او باشد باید محل اعتماد وزیر باشد زیرا در وزارتخانه یک کارها و مسائلی است که سیاست اقتضا می نماید تا حدی مستور بماند تا زمانی که سیاست اقتضا نماید آن مسئله بجزریان نیفتد البته باید او را مکتوم نگاه داشت و یک نفر وزیر هم نمی تواند تمام نوشتهجات را در کیف خود نگاه دارد بایستی در نزد رئیس کابینه بماند ممکن است دو

کابینه سه کابینه تغییر کند و هنوز موقع مقتضی نباشد آن مسائل بجزریان نیفتد بنا بر این این مسئله آن است که معاونین و روسای کابینه طرف اعتماد کامل شخص

کاری بکنم که وزارت خانه را ملک طلق وزیر قرار ندهیم یعنی نگوییم این وزارت خانه ده ششادانک وزیر است وزارتخانهها را نباید ملک طلق شخص وزیر قرارداد معاون محل اعتماد وزیر باشد چه معنی دارد؟ معاون باید محل اعتماد کار باشد معاون هم باید همان درجاتی را که در قانون استخدام ذکر شده سیر نمود و بمقام معاونت برسد معلم مستخدم ملت است نه مستخدم وزیر مستخدم اداره است نه مستخدم شخصی اگر شخصی آن مقامات اداری را طی کرد و بمقام معاونت رسید معاون است خواه محل اطمینان وزیر باشد خواه نباشد مناط کار است نه شخصی در تمام وزارتخانهها اعمال وزیر بدست معاون و رئیس کابینه است ما می خواهیم کارها تر نیات اداری پیدا نماید نه تر نیات شخصی این است که بنده با کمال که با داده شده کارها داریم میل دارم ابداً اسمی از این ماده برده نشود اگر چه بنده معتمد که نباید دست وزیر بکلی بسته شود اما با این مسئله مخالفم که هر موقعی یک وزیر تشریف آوردند یک معاون و رئیس کابینه جدید همراه خود بیاورند این دو نفر هم مستخدم اداره هستند بجه نظر بایستی استخدام معاون و رئیس کابینه بنظر وزیر باشد؟ استخدام باید منوط به نظر قانون باشد

وزیر مالیه - خاطر آقایان را مستحض می دارم که در موقع انتخاب وزیر یا معاون و یا رئیس کابینه مطلب مربوط بامداداری نیست بلکه نظریات سیاسی در آن ذی دخل است همان طور که انتخاب وزراء مربوط باداری نیست و فقط از نقطه نظر سیاسی بر حسب رأی و اعتماد اکثریت مجلس شورای ملی انتخاب می شود معاون هم که باید مدافع نظریات سیاسی شخص وزیر باشد از همین نقطه نظر باید انتخاب شود اهم از اینکه اداری داشته باشند یا نداشته باشند همین طور رئیس کابینه که باید اسرار سیاسی وزارتخانه در نزد او باشد باید محل اعتماد وزیر باشد زیرا در وزارتخانه یک کارها و مسائلی است که سیاست اقتضا می نماید تا حدی مستور بماند تا زمانی که سیاست اقتضا نماید آن مسئله بجزریان نیفتد البته باید او را مکتوم نگاه داشت و یک نفر وزیر هم نمی تواند تمام نوشتهجات را در کیف خود نگاه دارد بایستی در نزد رئیس کابینه بماند ممکن است دو

کابینه سه کابینه تغییر کند و هنوز موقع مقتضی نباشد آن مسائل بجزریان نیفتد بنا بر این این مسئله آن است که معاونین و روسای کابینه طرف اعتماد کامل شخص

کاری بکنم که وزارت خانه را ملک طلق وزیر قرار ندهیم یعنی نگوییم این وزارت خانه ده ششادانک وزیر است وزارتخانهها را نباید ملک طلق شخص وزیر قرارداد معاون محل اعتماد وزیر باشد چه معنی دارد؟ معاون باید محل اعتماد کار باشد معاون هم باید همان درجاتی را که در قانون استخدام ذکر شده سیر نمود و بمقام معاونت برسد معلم مستخدم ملت است نه مستخدم وزیر مستخدم اداره است نه مستخدم شخصی اگر شخصی آن مقامات اداری را طی کرد و بمقام معاونت رسید معاون است خواه محل اطمینان وزیر باشد خواه نباشد مناط کار است نه شخصی در تمام وزارتخانهها اعمال وزیر بدست معاون و رئیس کابینه است ما می خواهیم کارها تر نیات اداری پیدا نماید نه تر نیات شخصی این است که بنده با کمال که با داده شده کارها داریم میل دارم ابداً اسمی از این ماده برده نشود اگر چه بنده معتمد که نباید دست وزیر بکلی بسته شود اما با این مسئله مخالفم که هر موقعی یک وزیر تشریف آوردند یک معاون و رئیس کابینه جدید همراه خود بیاورند این دو نفر هم مستخدم اداره هستند بجه نظر بایستی استخدام معاون و رئیس کابینه بنظر وزیر باشد؟ استخدام باید منوط به نظر قانون باشد

وزراء باشند حال شخص وزیر ممکن است بهمان معاون سابق اعتماد داشته باشد و یا اینکه شخص دیگری اظهار اعتماد کند این است که بایستی دست وزیر بسته باشد که مجبور باشد حتماً از روی اداری يك اشخاصی را باین معاونت بگمارد ولی راجع بسایر مقامات اداری البته وزراء مجبورند مراعات طی مراتب اداری و قانون استخدام بنمایند اما درباره معاون رئیس کابینه به همان نظریات سیاسی درباره وزیر از طرف مجلس شورای ملی اعمال می شود همان نظریات هم از طرف شخص وزیر نسبت به آنها بایستی اعمال شود

رئیس - مذاکرات کافی نیست؟

(گفته شد کافی است)

رئیس - ماده پانزدهم

(بمضمون ذیل فراموش شد)

ماده پانزدهم - بدون طی مرتبه مادون بر مرتبه مافوق نمی توان ارتقاء یافت و مستخدمین که از عهد انجام خدمات معموله کاملاً برآیند و نظامنامه اداری را رعایت کرده باشند مستحق ترفیع رتبه خواهند بود مشروط بر اینکه لااقل دو سال بطور رسمی در رتبه سابق خدمت کرده باشند در هر صورت رعایت احتیاج وزارتخانه و طرز خدمت و استعماد مستخدم و مدت خدمت شرط حتمی است

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده آنچه از مذاکرات آقایان فهمیدم این بود که معاون و رئیس کابینه بمنزله مدیر کل است و بدمم تأویل و تمبیر کردیم که این مقامها چون مقام مهمی است یعنی اینها بنظر ریه شخص وزیر است در صورتی دو از یک طرف در تبصره ماده پانزدهم این که مقام استثناء نکرده ایم از طرف دیگر اینجاست گویم بدون طی رتبه مادون نمی توان بر رتبه مافوق رسید بنابراین بنده نمی توانم حکم معاون و رئیس کابینه چیست و چگونه از قاعده کلی استثناء شده اند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بیشتر اختلال امور ادارات بواسطه زیادتی منتظرین خدمت است که هر وزیر وارد شد میل دارد يك نفر را از کرسی بلند نمود دیگری مقامس را اشغال نماید

بنده عرض می کنم ما نباید کاری بکنیم که این اشخاص زیاد شوند و هر روز بدوات برای کار فشار بیاورند و بعد از آمووس شدن دسته بندی نماید و باعث تزلزل هیئت دولت شوند بنده عقیده دارم که در هر مرتبه شخص تا دو سال خدمت نکرده باشد نمی توان بمقام بالاتری برسد و آنرا هم که آقای اقبال السلطان می فرمایند شخصی که مدتها در اروپا تحصیل کرده چرا این

مراتب را بطلی نماید عرض می کنم چه ضرر دارد همان شخص هم هیجده سال خدمت نماید و بمقامات عالی برسد؟ بنابراین بنده باین ماده موافقم

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اگر فرض کنیم يك شخص بموجب این قانون از سن هیجده سالگی داخل خدمت دولت بشود و در سن شصت سالگی خارج شود مدت خدمت او چهل و دو سال است و این مراتب در این قانون تعیین شده بایست طوری معین شود که در روز اول استخدام تاروز تقاعد تکلیف مستخدمین معلوم باشد و در این ماده بطور اجمال نوشته اند مدت خدمت لااقل در هر مرتبه باید دو سال باشد و در این صورت وقتی حساب کنیم اگر در هر درجه دو سال باشد در هیجده سال ارتقاء رتبه پیدا می کند و بدینری کل می رسد و بعد از هیجده سال مستخدم چه باید بکند؟

آیا بقیه استخدام را در همان رتبه باید بماند؟

خیر این نوع نمی شود باید فکری کرد که ترتیب ارتقاء طوری باشد که مستخدم وقتی بمدارج عالی رسید بعد از طی آن درجه متقاعد شود

مثلاً باید طوری باشد که این درجات را چند قسمت کرد در قسمت اول مدت خدمت را در رتبه اول سه سال و در رتبه دوم چهار سال و در قسمت دوم مثلاً مدت خدمت را در هر مرتبه پنج سال قرارداد تا از روز اول خدمت تا موقع تقاعد درجات خدمت مستخدم منتظر شده باشد نه اینکه مستخدم در يك مدتی ترقی کند و در قسمت دیگر از مدت استخدامی در يك درجه باقی بماند و سبب کلی این ترتیب است که ممکن است بعد از هیجده سال در يك وزارتخانه یا زنده نفر مدیر کل پیدا شود یا جزو منتظرین خدمت باشند و یا اینکه کار دارد ولیکن در همان درجات مادون قرار گرفته است

باین ملاحظه بنده این ماده را باین ترتیبی که نوشته شده ناصحیح می دانم و باهمنوعی تغییر داد که مناسب با مدت خدمت یعنی چهل و دو سال بشود

مخبر - در هر موقع که مستخدم در يك مقامی دو سال خدمت مکرده و ایاقتش هم معوق گشت و مرتبه بالاتر هم خالی بود بایستی آن مقام را باو بدهند اما اگر مرتبه بالاتر خالی نبود در مواد بعد تکلیفش معین است و بازم اگر ده سال خدمت کرد مقام خالی پیدا نشد آنهم حکمی علیحده دارد اما آقای دولت آبادی می فرمایند شخصی در هیجده سال خدمت مقرر به ایاقتش اداره کردن نرسیده؟

چطور می شود کسی که دروس عالی را تکمیل کرد و تحصیل کرده است بعد از

هیجده سال خدمت هنوز هم بدرجه ریاست نرسیده و البته انصاف نیست و همین ماده است

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

حاج شیخ محمد باقر دست غیب - يك قسمت از هریض بنده راجع بفرمایشی بود که آقای دولت آبادی فرمودند که مدت هیجده سال برای ارتقاء رتبه کافی نیست اما عرض دیگر این بود که آیا کبیسبون در این که مدت خدمت را در هر مرتبه دون قرار داده است چیست؟

اگر برای این است که عده منتظرین خدمت را کسر کند این مسئله چندان اهمیت ندارد علی ای تقدیر کمیت منتظرین خدمت در اداره زیاد است و اگر نظرشان این است که در هر مرتبه دو سال که ماند سابقه پیدا نماید بنده عرض می کنم ممکن است يك شخصی باشد خیلی با ذوق و با فهم در هر ض هشت ماه یا یکسال از یک کاری سابقه پیدا نماید در این صورت جهت ندارد حتماً دو سال قرار بدهیم زیرا اگر زیاد در کاری بماند ممکن است خستگی دماغ پیدا کند برای يك شخصی که می خواهد زود مراتب را طی کند و هر کاری سابقه پیدا نماید بعقیده بنده دو سال زیاد است و شش ماه الی یکسال کسافی است

رئیس - آقا میرزا سید حسن کاشانی

آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده باین ماده موافقم زیرا اگر ماده ۱۶ مرجوع شود در دفع تمام این اشکالات خواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی نیست؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهادی کنم بجای مشروط بر اینکه لااقل الخ نوشته شده مشروط بر این که دو سال الی چهار سال رسمی (الخ)

مدرس پیشنهاد می کنم در آخر ماده ۱ جمله ذیل نوشته شده) باستثناء شاگردان مدارس که مدت تحصیل آنها جزو سابقه خدمتشان محسوب می شود

(وکیل الملک)

رئیس - ماده شانزدهم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده شانزدهم - هر گاه مستخدمی بموجب ماده ۱۰ مستحق ترفیع شده و بواسطه نبودن محل به ترفیع نائل نگردد و بر طبق نظامنامه رتبه در حدود تفاوت پز - دائل و اکثر مقام خود اضافه دریافت خواهد نمود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - بنده در خصوص اضافه

حقوق مخالفم زیرا این مسئله سبب می شود که هر مستخدمی بيك وسائلی پس از مدت دو سال برای خود يك اضافه حقوقی معین کند و این مسئله تمهیل بر خزانه دولت می شود

مخبر - آیا انصاف است کسی که دو سال خدمت کرده و اظهار لیاقت نموده و مستحق ترفیع رتبه هم باشد با اضافه داده نشود؟

اگر محل خالی نیست این بیچاره که تقصیر نکرده است باینحال اضافه حقوق هم نگیرد؟ حرف فریبی است !!

رئیس - آقای مؤتمن السلطنه (اجازه)

مؤتمن السلطنه - بنده عقیده ام این است آقای مخبر توضیح بدهند که مقصودشان از این ماده چیست و گویا يك کلمه افتاد است

وزیر مالیه - بنده این توضیح را عرض می کنم در ماده قبل شرایطی برای ترفیع مرتبه معین شده گفته شد اشخاصی که شرایط مندرجه از نظامنامه داخلی را کاملاً رعایت کرده باشند و ابراز لیاقت کرده باشند و چه کنند و چه کنند باید ترفیع رتبه حاصل نمایند و شرایطی هم قرار داده باشد که اول باید محل خالی باشد ثانیاً مدت خدمت داشته باشد

ثالثاً استعماد داشته باشد الی آخر حال فرض فرمائید بيك شخصی تمام مراتب را دارا بود ولی محل خالی در اداره نبود البته تصدیق می فرمائید چیزی که بیشتر مستخدم را بصفت عمل و رعایت اصول اداری و ادار می کند بيكی ترفیع رتبه است و دیگری اضافه حقوق حالا می فرمائید چون محل خالی نیست ترفیع رتبه ممکن نیست پس لااقل بيك اضافه حقوقی بایستی برای او منظور داشت و این اضافه حقوق هم بيك میزانی باید داشته باشد میزان آن عبارت خواهد بود از مبلغ مابین حداقل و حداکثر حقوق مقامی که فعلاً داراست تا مبلغ حقوق درجه اول مقامی که بهاها بایستی دارا باشد و اگر باز هم محل خالی نشد حکم علیحده دارد که مواد بعد ملاحظه خواهند فرمود

رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده از آقای مخبر پاشا زاده سلیمان میرزا سؤال می کنم که اضافه حقوق مابین حداقل و اکثر چه قدر است؟

خوب است آنرا کاملاً معین فرمایند تا از حالت ابهام خارج شود مثلاً می گویند نصف است ثلث است ربع است یا چیز دیگر

مخبر - در هر مقام دو حقوق معین می شود بيك حداقل و بيك حداکثر مثلاً حقوق ابتدائی بيك مقام بیست و پنج تومان و حقوق

اکثر آن سی تومان است حال آن اضافه حقوق مبلغ مابین این دو حد است که پنج یا سه یا دو تومان می شود آنها یک چیزهایی است که در هر موقع تفسیر بنماید و بسته به میزان حقوق است .

رئیس - مذاکرات کافی است
بعضی گفتند کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقیده بنده ذیل به ماده ۱۶ علاوه شود و بمجرد بودن محل مافوق مستخدم مذکور ترفیع مقام خواهد شد

(معتمدالتجار)

ماده ۱۶ پیشنهاد می کنم بجای بر طبق نظام نامه الخ نوشته شود بر طبق نظام نامه داخلی مقرر می او اضافه شده

(مدرس)

پیشنهاد می کنم در ماده (۱۶) بعد از مجلس نوشته شده با مقام یا رتبه بالاتر

(مدرس)

رئیس - چند دقیقه تنفس داده می شود .

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید .

رئیس - راجع به ماده ۱۶ آقای شیخ الاسلام پیشنهادی داده بودند فراموش شده بود قرائت و به کمیسیون ارجاع می شود .

(بطریق ذیل قرائت شد)

مقام محترم مجلس شورای ملی جمله بر طبق نظام نامه داخلی در ماده ۱۶ بنظر بنده غیر لازم است باید حذف شود

(شیخ الاسلام اصفهانی)

رئیس - ماده هفتم

(باین مضمون قرائت شد)

ماده هفتم - ترفیع رتبه بر دو قسم است رسمی و افتخاری ترفیع رسمی است که شغل معینی که مقامش یکدرجه بالاتر از مقام شغل سابق مستخدمی باشد یا مقرر می آن شغل رعایت مدلول ماده ۱۲ و ۱۵ با رجوع شود .

ترفیع رتبه افتخاری آن است که در صورت عدم احتیاج وزارتخانه بتوان محل برای ارتقا رسمی پس از هشت سال خدمت در رتبه مادون و رعایت مدلول ماده ۱۶ مقام بالاتری بعنوان افتخاری به مستخدمی داده شود بدون اینکه در شغل او تغییری حاصل گردد

ولی مقرر می مستخدم مزبور از قدر اول مضرری مقام افتخاری و نباید کمتر باشد و مدت قدرت در رتبه افتخاری محل اشتغال رسمی در آن مقام منظور و در وره خدمت قید شود

رئیس - آقای کلارانی

(اجازه)

آقا میرزا علی کلارانی - بنده فرقی نمی توانم مابین اشخاص که در ادارات تجارته حقوق می گیرند و اشخاصی که در ادارات دولتی مستخدم می باشند زیرا هر دو خدمت می کنند و حقوق می برند در این صورت بنده نمی دانم در صورتیکه وزارتخانه احتیاج به یک مستمیری نداشته باشد که از یک مقامی بمقام عالی تری او را ترفیع دهد و طرف که راضی است در همان رتبه خدمت کند علت این که یک مقام افتخاری با حقوق عالی تر باو می دهند چیست ؟ هر مرتبه همان طور که خدمتش زیاد می شود حقوقش هم زیاد می شود ولی در صورتی که خدمت زیاد نمی شود چرا بایستی حقوق زیاد بشود

مهمبر - بنده مقصود آقایان فهمیدم اگر شخصی دو سال در یک مقامی خدمت کرد و لیاقت هم داشت حق دارد حقوقش زیاد بشود حال اگر سال باز در همان مقام خدمت کرد ولی محل خالی بود نه خارج شد چه باید بکند ؟ اقلاً یک مقام افتخاری برای تشویق او که باید باو داد تا بسکلی زحماتش پذیرفته باشد

رئیس - آقای دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی چون در مواد قبل حداقل و اکثر خدمت در یک مقامی را معین ننموده اند از این ماده معلوم می شود که حداقل آن دو سال و حداکثر آن شش سال است و بمقیده بنده مدت شش سال برای یک رتبه خیلی زیاد است و می توان مدت را از سه الی چهار سال یا از دو تا چهار سال قرارداد زیرا فرض بفرمایند یک ثبات یا یک منشی شش سال در یک مقامی بماند شش سال دیگر که بطور افتخاری باید بماند آنوقت یک مستخدم دوازده سال باید در یک شغل بماند بنابراین پیشنهاد می کنم هوش شش سال چهار سال قرار بدهند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - این مسئله که آقای دولت آبادی فرمودند راجع به ماده هجده است که هنوز تحت شور نیامده دیگر این که مکرولات نسوا افضل بینکم - را در قرآن ندیدند همان طور که قانون اداری بت مراتب فضل و عمل راهم باید رعایت شود مثلاً دولت باید یک مستخدمی را تشویق کند و اگر قابلیت داشت ارتقا رتبه بدهد و اگر محل نبود لااقل رتبه افتخاری باو بدهد

رئیس - ماد هجدهم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده هجدهم - کسانی که پس از شش

سال خدمت در یک مقام استعداده ارتقا به مقام بالاتری را ندارند حق اضافه مقرر می را خواهند داشت و میزان این اضافه از خمس آخرین مقرر می مستخدم مذکور تجاوز نکند و پیش از دو مرتبه داده نخواهد شد

رئیس - آقای کلارونی

(اجازه)

آقا میرزا علی کلارونی - اگر حقوق در ادای خدمت و لیاقت است (و همین طور هم نیست) در صورتیکه ما مایل شده ایم بعد از شش سال استعداده ارتقا رتبه پیدا نکرد آنوقت بنده نمی فهم اضافه حقوق چرا باو داده می شود ؟ اگر مجانی است که حقوق مجانی بکسی نباید داده شود بنابراین بمقیده بنده تا یک مستحق استحقاق پیدا نکند نباید باو اضافه حقوق داده شده

رئیس آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - کلیه حقوق در مقابل خدمت و لیاقت داده می شود بنابراین اگر یک مستخدمی در مدت شش سال یا چندین سال نتوانست کفایت و استعداد این را داشته باشد که به یک مقام عالی تری ارتقا باید البته دولت نمی تواند ترتیب اداره خود را خراب کند و مجبور نیست دو سال بدو سال آن حضوراً ترقی دهد و باو ارتقا رتبه بدهد تا بدرجه مدیر کلی برسد در صورتی که لیاقت ثباتی هم ندارد ولی از طرف دیگر یک شخصی که مدت شش سال در یک اداره زحمت کشیده و وقت خود را بدرستی صرف نموده می توان گفت اگر نتوانست است لیاقت ارتقا را پیدا نماید تقصیری نداشته است زیرا استعداد نداشته است بنا بر این با ملاحظه هر دو طرف هم جلوگیری از اینکه در ادارات اشخاص نالایق بر نشوند و هم اینکه رعایتی از قبیل این گونه مأمورین شده باشد کمیسیون قبول کرد که فقط دودفمه هر دوفمه در هر شش سال باو جزئی اضافه حقوق داده شده که تفاوتی در مقامش او پیدا شده باشد

رئیس - آقای کلارونی

(اجازه)

آقا میرزا علی کلارونی - بنده می شنوم که کلمه مقصر گفته می شود و میگویند مستخدم تقصیر ندارد اینجا حکایت مجازات و مقصر نیست مسئله مسئله حقوق در مقابل خدمت است حال اگر دیدیم یک شخصی استعداد ندارد که از حد معینی حقوق ببرد پس برای چه باو باید اضافه حقوق داده شود شاهزاده سلیمان میرزا می فرمایند چون دوازده سال خدمت کرده اگر اینطور است چرا امرا و اعیان حال پیشخدمت نمی شود آیا مستخدمه که هجده خدمت می کند باو ترقی می دهند ؟ یا اضافه حقوق می دهند در صورتی که او مجبور است بآن حقوق خود

قناعت نمایند این مستخدمی که استعداده ندارد همانحال را دارد و منتهی بایستی در حقوق تقاعد مثل مستخدمین جزء با سایر اجزاء رسمی وزارتخانه شریک باشد

رئیس - ماده نوزدهم خواننده می

شود .

(این طور قرائت شد)

ماده نوزدهم - مستخدمین که بواسطه حذف مشاغل یا علت دیگری بدون تقصیری کارشوند منتظر خدمت محسوب و تا زمانی که مجدداً متصدی شغلی شده اند از مرتبه اول تا مرتبه پنجم دولت و از مرتبه ششم همان نصف آخرین مقرر می خود را دریافت خواهند کرد و اوقات انتظار خدمت از جزء مدت تصدی محسوب و در موقع ترفیع و تقاعد منظور خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله

(اجازه)

رفعت الدوله - بنده برخلاف آقای کلارانی با این ماده مخالفم ایشان میفرمایند بایستی اصلاً حقوق داد بنده عرض می کنم چرا باید یک مستخدمی که بدون تقصیر از شغلش منصرف می شده تمام حقوق خود را دریافت ندارد دو ثلث بگیرد ؟ پس اقلاً خوب است دولت باو اجازه ندهد یک کار دیگری هم برای خود انتخاب نماید و در ضمن از دو محل حقوق ببرد بنا بر این بنده مقیده دارم که باید تمام حقوقش را باو بدهند

مهمبر - اینکه می نویسد یک عضوی بدون تقصیر شود مثل این است که یک ایالتی بر حسب اقتضای موع و صلاح دولت احضار نشود و فعلاً هم محل نیست باو بدهند آنوقت میرود در خانه اش می نشیند البته حقوقی که باین شخص داده میشود نباید مثل اشخاصی باشند که زحمت می کشند و کار می کنند و لذا کمیسیون اینطور فرار داد که پنجم درجه اول چون حقوقشان کم است و ثلث و از درجه پنجم به بالا چون حقوقشان زیادتر است نصف حقوق خود را دریافت نمایند

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت

آبادی - اگر فرض کنیم یکی از مرتبه پنجم دارای نود تومان حقوق است و دیگری در مرتبه ششم و دارای صد تومان آنوقت اولی چون دو ثلث حقوق دارد و شصت تومان حقوق می برد و دیگری نصف حقوق خود یعنی پنجاه تومان و باین ترتیب نسبت رعایت نشود بنابراین باید همه یا ثلث باشد یا نصف و بمقیده بنده باید دو ثلث نسبت بیکل حقوق داده شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم